

ایران تووشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- دانلود آزمون های مقدماتی
- دانلود آزمون های جزو و فصلی جی و نجاشی
- دانلود فیلم و مقاله آنلاین شی
- دانلود و مشاوره



IranTooshe.Ir



@irantoooshe



IranTooshe





۱ نوع حذف فعل در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) حافظا روز اجل گر به کف آری جامی / یکسر از کوی خرابات برندت به بهشت
- (۲) گفته‌ای لعل لبم هم درد بخشد هم دوا / گاه پیش درد و گه پیش مداوا میرمت
- (۳) عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاہ / پای آزادی چه بندی؟ گر به جایی رفت رفت
- (۴) فغان که آن مه نامهربان مهر گسل / به ترک صحبت یاران خود چه آسان گفت

۲ در کدام گزینه حذف فعل به قرینه معنوی صورت گرفته است؟

- (۱) می‌توانی یافت رنگ حق و باطل بی‌حجاب / گر به روی شاهدان وقت گواهی بنگری
- (۲) خویش را روشنلند از چشم غلط بین دیده‌ای / صاف کن آیینه را تا روسياهی بنگری
- (۳) سرمه‌واری وام کن از خاک پای اهل دید / تا مگر اشیای عالم را کماهی بنگری
- (۴) تا ز خاک پای درویشی توانی سرمه کرد / خاک در چشمت اگر در پادشاهی بنگری

۳ در کدام گزینه هیچ فعلی محفوظ نیست؟

- (۱) به کوشش از متصور شود وصال رخ تو / به دوستی که پشیمان شود کسی که نکوشد
- (۲) کنون بی‌گمان باز باید شدن / ندانم کرین پس چه شاید بدن
- (۳) بریده سر شاه از جاسپ را / جهاندار و خون‌ریز لهراسب را
- (۴) آفرین کردن و دشمنان شنیدن سهل است / چه از آن به که بود با تو مرا گفت و شنید

۴ در کدام گزینه حذف فعل به قرینه معنوی صورت نگرفته است؟

- (۱) افسوس که شد دلب و در دیده گریان / تحریر خیال خط او نقش بر آب است
- (۲) شبی نپرسی و روزی که دوستدارانم / چگونه شب به سحر می‌برند و روز به شام
- (۳) عطار در غم خود عمرت به آخر آمد / چه سود کز غم خود غیر از زیان ندیدی
- (۴) چنگ بنواز و بساز از نبود عود چه باک / آتشم عشق و دلم عود و تن مجمر گیر

۵ در کدام بیت حذف به قرینه لفظی و معنوی «هر دو» یافت می‌شود؟

- (۱) اگر دعات ارادت بود و گر دشمن / بگویی از آن لب شیرین که شهد می‌باری
- (۲) ز خلق گوی لطافت تو بردهای امروز / به خوب‌رویی و سعدی به خوب‌گفتاری
- (۳) خدایا دلم خون شد و دیده ریش / که می‌بینم انعامت از گفت، بیش
- (۴) زخم شمشیر اجل به ز سر نیش فراقت / کشتن اولی تر از آن کم به جراحت بگذاری

۶ در کدام بیت حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی «هر دو» وجود دارد؟

- (۱) نه دست آن که برآرم دل از چه ذقنش / نه تاب آن که بیچم به عنبرین رسنش
- (۲) اگر چه پیل پلنگ‌افکنی چو روین تن / چه جای پنجه زدن شیر زابلستان را
- (۳) او ز ما فارغ و ما طالب او در همه حال / خود پسندیدن او بنگر و خود رایی ما
- (۴) زمانی برآشفت و گفت ای رفیق / به کار آید امروز یار شفیق

در کدام بیت، حذف فعل به «قرينه‌ی معنوی» صورت گرفته است؟

- ۱) حکایت از لب شیرین دهان سیم اندام / تفاوتی نکند گر دعاست یا دشنام
- ۲) کسان را درم داد و تشریف و اسب / طبیعی است اخلاق نیکو نه کسب
- ۳) به چشم‌های تو دانم که تا ز چشم برفتی / به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم
- ۴) به جای خاک، قدم بر دو چشم سعدی نه / که هر که چون تو گرامی بود به ناز آید

در کدام بیت، حذف فعل به قرينه‌ی لفظی صورت گرفته است؟

- ۱) کجا دست گیرد دعای ویت / دعای ستم دیدگان در پیت؟
- ۲) یکی را که سعی قدم پیش تر / به درگاه حق منزلت بیش تر
- ۳) بفرمود گنجینه‌ی گوهرش / فشاندند در پای و وز بر سرش
- ۴) دعای منت کی بود سودمند / اسیران محتاج در چاه و بند؟

در همهٔ ایات حذف فعل دیده می‌شود، به جز:

- ۱) اگر پیل زوری و گر شیر چنگ / به نزدیک من صلح بهتر که جنگ
- ۲) گر هر دو دیده هیچ نبیند به اتفاق / بهتر ز دیده‌ای که نبیند خطای خویش
- ۳) بهایم خموشند و گویا بشر / زیان بسته بهتر که گویا به شر
- ۴) نباشد هیچ خوش تر از معانی / که معنی بهتر است از زندگانی

در همهٔ گزینه‌ها حذف به «قرينه‌ی معنوی» وجود دارد، به جز

- ۱) به دوستی که ندارم ز کید دشمن باک / و گر به تیغ بود در میان ما فاصل
- ۲) روی زمین آن توست ملک فلک نیز هم / عالم انسان تو راست ملک و ملک نیز هم
- ۳) گاه پیدا و گاه ناییدا / هم چو نقطه به چشم نایينا
- ۴) در خود، آن به که نیک‌تر نگری / اول، آن به که عیب خود گویی

نقش دستوری ضمیر متصل «م» در انتهای همهٔ بیت‌ها یکسان است، به جز

- ۱) سرآمد گرچه در آغوش‌سازی عمر من چون گل / نشد یک بار در برآید آن سرو قبایوشم
- ۲) سراپایم چو ساغر یک دهن خمیازه می‌گردد / اچو می‌گردد به خاطر یاد آن لب‌های می نوشم
- ۳) ز خواری آن پتیم دامن صحرای امکان را / که گر خاکم سبو گردد نهی گیرند بر دوشم
- ۴) لب جان‌پرورت بر من نه آن حق نمک دارد / که در روز سیاه خط شود از دل فراموشم

توشه‌ای برای موفقیت

«حذف فعل» در همهٔ گزینه‌ها همانند حذف آن در عبارت زیر می‌باشد به جز:

«نیکو خو، بهتر هزار بار از نیکورو.»

- ۱) الهی، هر که تو را شناسد کار او باریک و هر که تو را نشناشد راه او تاریک.
- ۲) یک چند به یاد تو نازیدم، اینم بس که صحبت تو را ارزیدم.
- ۳) به حق تو بر خودت که ما در سایه‌ی غرور نشانی و به عزّ وصال خود رسانی.
- ۴) هر کسی را آتش در دل است و این بیچاره را آتش در جان، هر کس را سروسامانی است و این بیچاره را هیچ نیست.

در کدام گزینه حذف فعل «به دلیل پرهیز از تکرار» صورت گرفته است؟

- ۱) جلیس من به مه و سال، جسم محنت کش / ندیم من به شب و روز، چشم خون بالا
- ۲) دیری بنگذرد که جوان و کلان شوی / در جست و خیز آیی و در نشو و در نما
- ۳) یاران، قسم به ساغر می، کاندرين بساط / پر ناشده ز خون جگر ساغری نماند
- ۴) خوبتر از من جوانی خوش کلام و خوش خرام / در میان شاعران شرق، سرتاسر نبود

حذف فعل به «قرينه لفظی و معنوی» در کدام بیت یافت می‌شود؟

- ۱) خود نه زبان در دهان عارف مدهوش / حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا
- ۲) سعدی تو مرغ زیرکی خوبت به دام آوردهام / مشکل به دست آرد کسی مانند تو شهباز را
- ۳) سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی / عشق محمد بس است و آل محمد
- ۴) اکبر و اعظم خدای عالم و آدم / صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

در ایات زیر چند بار فعل «به قرينه معنوی» حذف شده است؟

- «صبح محشر که من از خواب گران برخیزم / به جمالت که چون رگس نگران برخیزم
سرگرام ز خمار شب دوشین ساقی / قدمی تا من از این رنج گران برخیزم
ناله دردا و دریغا که ندارد اثربی / من همان به که پس از این ز جهان برخیزم»
- | | | | |
|-------|-------|-------|-------|
| ۶ (۴) | ۵ (۳) | ۴ (۲) | ۳ (۱) |
|-------|-------|-------|-------|

در همه ایات «فعل» به قرينه معنوی «دو بار» حذف شده است، به جز

- ۱) خدایا به عزت که خوارم مکن / به ذل گنه شرم‌سارم مکن
- ۲) سعدیا گر به یک دمت بی دوست / هر دو عالم دهنده مستانش
- ۳) سعدیا گوسفنده قربانی / به که نالد ز دست قصابش
- ۴) سعدیا روی دوست نادیدن / به که دیدن میان اغیارش

در کدام گزینه حذف فعل به قرينه معنوی صورت گرفته است؟

- ۱) حکایت از لب شیرین دهان سیم‌اندام / تفاوتی نکند گر دعاست یا دشنام
۲) کسان را درم داد و تشریف و اسب / طبیعی است اخلاق نیکو نه کسب
۳) ناوکش را جان درویشان هدف / ناخشن را خون مسکینان خضاب
۴) به جای خاک قدم بر دو چشم سعدی نه / که هر که چون تو گرامی بود به ناز آید

در کدام بیت، جایه‌جایی ضمیر متصل صورت گرفته است؟

- ۱) طفل اشکم خاکبازی‌ها کند در چشم تر / دیده از خاک درت روزی که گردد کامیاب
- ۲) هنوزت اجل دست خواهش نبست / برآور به درگاه دادر دست
- ۳) تا لبت گفته به من سر سخن‌دانی را / کرده سلطان سخن‌سنج قبول سخنم
- ۴) گفتم که برخیالت راه نظر بیندم / گفتا که شپرو است او از راه دیگر آید

نقش ضمایر متصل در تمام گزینه‌ها به ترتیب مضاف‌الیه و مفعول است به جز گزینه

- (۱) تم گر بسوزی، به تیرم گر بدوزی / جداسازی ای خصم، سر از تن من
- (۲) به حشرم بده نامه در دست راست / از هولم در آن روز بی‌باک کن
- (۳) گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست / این رستخیز عام که نامش محترم است
- (۴) از آن رنگ رُخْم خون در دل افتاد / وز آن گلشن به خارم مبتلا کرد

در کدام گزینه حذف فعل به قرینه معنوی دیده نمی‌شود؟

- (۱) شهید ساجدی با توجه به این که نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته، احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می‌دانست.
- (۲) به همین دلیل او مرحله دوم کار را شروع و خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دوجداره یاد می‌شود، ساخت.
- (۳) بهویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده‌دم اجرا و احداث می‌شد، ولی او به اجرای آن ایمان داشت.
- (۴) عملیات احداث خاکریز شروع شد و آن شب برادران جهاد آرام و قرار نداشتند، ولی همگی هم‌قسم که خاکریز را صبح تحويل می‌دهند.

نقش دستوری ضمایر به کار رفته در بیت زیر در کدام گزینه به درستی نشان داده شده است؟

«خواب و خورت ز مرتبه‌ی خویش دور کرد / آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی»

- (۱) مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - متمم
- (۲) مفعول - مضاف‌الیه - متمم
- (۳) مضاف‌الیه - متمم - مضاف‌الیه

معنی و کاربرد فعل «است» در کدام گزینه با بیت «هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید / ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها» یکسان است؟

- (۱) نگویم قامت زیباست یا چشم / همه لطفی و سرتاسر جمالی
- (۲) سرگشتنگی ذره ز خورشید عیان است / ای غافل حالم نظری کن به جمالش
- (۳) کجاست آن که به انگشت می‌نمود هلال / کز ابروان تو انگشت بر دهان ماند
- (۴) چند گویی که مست و بی‌خبری / هر که او مست نیست بی‌خبر است

معنی واژه‌ی ردیف در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) کلک مشکین تو روزی که ز ما یاد کند / ببرد اجر دو صد بنده که آزاد کند
- (۲) قاصد منزل سلمی که سلامت بادش / چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند
- (۳) یا رب اندر دل آن خسرو شیرین انداز / که به رحمت گذری بر سر فرهاد کند ..
- (۴) امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند / گر خرابی چو مرا لطف تو آباد کند

در همه گزینه‌ها ترکیب وصفی و اضافی به کار رفته است به جز

- (۱) ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند
- (۲) تو مشت درشت روزگاری / از گردش قرن‌ها پس افکند
- (۳) چون گشت زمین ز جور گردون / سرد و سیه و خموش و آوند
- (۴) زین بی خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند

در ایات زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«روزت از روز دگر خوش تر و نیکوتر باد / که شد امروز من از وعده‌ی فردای تو خوش
چه بهشتی تو که چون کنج لب و گوشی چشم / نیست جایی که نباشد ز سرایای تو خوش
نیست ممکن که گشاید ز تماشای بهشت / دل هر کس که نگردد ز تماشای تو خوش»

۱۱ - ۲ (۴) ۱۰ - ۳ (۳) ۱۰ - ۲ (۲) ۱۱ - ۳ (۱)

در ترکیب وصفی همه‌ی گرینه‌ها واژه‌ای هم آوا به کار رفته است، بهجز

- (۱) کار صواب باده پرسنیست حافظا / برخیز و عزم جزم به کار صواب کن
- (۲) مظلوم دست‌بسته‌ی مغلوب را بگوی / تا چشم بر قضا کند و صیر بر جفا
- (۳) از غدر فلک طعن خسان صعب‌تر است / وز هر دو فراق غمرسان صعب‌تر است
- (۴) گل مستور اگر از خار دو صد نیش خورد / به از آن است که در دامن گلچین باشد

در عبارات زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی دیده می‌شود؟

«صدای مهیب خنده آنان کلاس و مدرسه را تکان داد. این کار معلم را عصبانی کرد. برای او توهّم شد که همه بازی‌ها را برای مسخره کردنش راه اندخته‌ام. بعد از چانه زدن بسیار تصمیم به اخراجم گرفتند.»

۱) چهار - دو ۲) سه - چهار ۳) چهار - چهار ۴) سه - سه

در عبارت زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی وجود دارد؟

«پدرم غصنه می‌خورد. پیر و زمین گیر می‌شد. هر روز ضعیف و ناتوان‌تر می‌گشت. همه چیزش را از دست داده بود، فقط یک دل‌خوشی برایش مانده بود، پرسش با تلاش و کوشش بی‌وقفه درس می‌خواند.»

۱) چهار - سه ۲) پنج - دو ۳) چهار - دو ۴) پنج - سه

در متن زیر چند ترکیب وصفی وجود دارد؟ «این شاعر، برجسته‌ترین چهره‌ی ادبی فرن نویزدhem فرانسه است. برخی

داستان‌های وی به زبان فارسی ترجمه شده است. تا سال‌های آخر عمر مورد احترام و ستایش عام بود.»

۱) پنج ۲) هفت ۳) شش ۴) هشت

در عبارت «اسلام که همه‌ی رنگ‌های قومیت را زدود و سنت‌ها را دگرگون کرد، نوروز را جلای بیش‌تر داد و آن را

با پشوونه‌ای استوار از خطر زوال در دوران مسلمانی ایرانیان مصون داشت.» چند ترکیب اضافی به کار رفته است؟

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

کدام گروه کلمه بر اساس الگوی «اسم + اسم + اسم + صفت + اسم + اسم + اسم» ساخته شده است؟

۱) بهره گرفتن از معلم و درس و کلاس و استمرار در فرآگیری بیش‌تر

۲) مستندات تاریخی متکی به واقعیت‌های موجود زندگی بزرگان

۳) دست‌یابی به دانشی در زمینه‌ی زبان و نقش‌های گوناگون آن

۴) سرجوخه‌ی کشیک پاسگاه تازه تأسیس شده‌ی کلاتری محل زندگی

معنای فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) بندۀ حلقه به گوش، ار نوازی برود / لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش
- ۲) آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی / کار ما با رخ ساقی و لب جام افنا
- ۳) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزیست، روزش دیر شد
- ۴) به وقت گل شدم از توبه شراب خجل / که کس مباد ز کردار ناصواب، خجل

کاربرد «را» در کدام بیت، با سایر ایيات تفاوت دارد؟

- ۱) گر تشنگان بادیه را جان به لب رسید / تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری
- ۲) باد بربوی نسیم زلف سنبل درختن / نافه را چندان دهد دم تا جگر پر خون کند
- ۳) گلدسته‌ی امیدی، بر جان عاشقان نه / تا رهروان غم را، خار از قدم برآید
- ۴) ماه روزه است و مرا شربت هجران روزی / روز توبه است و تو را نرگس جادو سرمست

نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

«آتش ابراهیم را نبود زیان/ هر که نمروdi است گو می ترس از آن»

- ۱) مفعول، مستند، نهاد، متمم ۲) متمم، مستند، نهاد، متمم ۳) مفعول، نهاد، متمم، مستند ۴) مفعول، نهاد، متمم

الگوی ساخت کدام جمله «نهاد + مفعول + مستند + فعل» است؟

- ۱) زیبایی محبوب تو چند روزی پیش نیست.
- ۲) عشق جاودانی، همواره متعشوq را جوان می بیند.
- ۳) در این سفر، ستارگان را با درخشندگی جاودان خود می بینم.
- ۴) عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد.

نقش کلمه‌های مشخص شده در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- ۱) خجسته باد نام خداؤند / نیکوتین آفریدگاران / که تو را آفرید (نهاد - صفت)
- ۲) پیش از تو / هیچ فرماتروا را ندیده بودم که / ... بردگان را برادر باشد (صفت - مفعول)
- ۳) و از آن دهان که هرای شیر می خروشید / کلمات کودکانه تراوید (متمم - نهاد)
- ۴) هیچ دینی نیست که وام دار تو نیست (مستند - مضافقالیه)

در کدام بیت جمله‌ای با ساخت «نهاد + مفعول + مستند + فعل» دیده نمی شود؟

- ۱) مدامم مست می دارد نسیم جعد گیسویت / خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت
- ۲) پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنو یکی پند
- ۳) می نوش به خرمی که این چرخ کهن / ناگاه تو را چو خاک گرداند پست
- ۴) سپهر از خردبینی می شمارد دانه روزی / ز پیچ و تاب غیرت گر گره در بال من افتند

چند مورد از واژه‌های مشخص شده «مسند» است؟

- الف- ای مرا خاک کف پای تو چون آب حیات / در هوای توام از آتش غم نیست نجات
- ب- سری که پر بود از بار آرزو هوس / اگر تهی نکنم آورد نگونساری
- ج- در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست / می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستمت
- د- در صباح عید اگر مشغول تکبرند خلق / بر زبانم از سحر تا شام گفت و گوی توست
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک

در همه گزینه‌ها به جز الگوی جمله «نهاد + مفعول + مسند + فعل» وجود دارد.

- (۱) چون گل ز ساده‌لوحی در خواب ناز بودم / اشک وداع شبیم بیدار کرد ما را
- (۲) گرچه در مستی چو بلبل خویش را گم کرده‌ام / می‌شناسم نکهت گلهای باع خویش را
- (۳) سیاه‌نامه‌تر از خود کسی نمی‌بینم / چگونه چون قلمم دود دل به سر نرود
- (۴) بس که ناز کارشناسان ملولم ساخته است / دست می‌مالم به هم تا وقت کارم بگذرد

نقش دستوری واژه مشخص شده مقابله کدام گزینه نادرست آمده است؟

- (۱) صد خوان هنری چیدی و ما گرسنه طبعان / بعد از تو پی رنگ و پی بوی بماندیم (صفت)
- (۲) گفت نزدیک است والی را سرای آن‌جا شویم / گفت والی از کجا در خانه خمبار نیست؟ (مضاف‌الیه)
- (۳) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت (مسند)
- (۴) ای آفتاب آینه‌دار جمال تو / مشک سیاه مجمره‌گردان خال تو (نهاد)

اگر نقش واژه‌های قافیه «مضاف‌الیه، متمم، صفت، نهاد» باشد به ترتیب ایات در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- الف- چل سال رنج و غصه کشیدیم و عاقبت / تدبیر ما به دست شراب دو ساله بود
- ب- از دست برده بود خمار غم سحر / دولت مساعد آمد و می در پیاله بود
- ج- هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید / در رهگذار باد نگهبان لاله بود
- د- بر آستان میکده خون می‌خورم هدام / روزی ما ز خوان قدر، این نواله بود
- (۱) الف، ب، ج، د (۲) ج، ب، الف، د (۳) ج، د، الف، ب (۴) د، الف، ب، ج

در همه گزینه‌ها به جز نقش دستوری مسند و مفعول وجود دارد.

- (۱) شیر حق را دان منزه از داعل (۲) عمری است کر دو دیده گهر می‌شمارمت
- (۳) الهی ز عصیان مرا پاک کن (۴) می‌شمارم باده شیرین، جواب تلخ را

نقش کلمات مشخص شده در کدام گزینه نادرست آمده است؟

- (۱) در دبستان تمایل جمالت هر سحر / دارد از خط شعاعی مشق حیرت آفتاب (مفعول - نهاد)
- (۲) زین بیابان سر خاری نشد از من رنگین / پای خوابیده من آب رخ آبله ریخت (مضاف‌الیه - مسند)
- (۳) در قفس طلبდ هر کجا گرفتاریست / من از کمند تو تا زندهام نخواهم جست (متمم - مضاف‌الیه)
- (۴) شعور عالم رنگم به آسانی نشد حاصل / صفاها باختم تا محروم زنگار گردیدم (متمم - مضاف‌الیه)

در کدام بیت‌ها جمله‌ای با ساخت «نهاد + مفعول + مسند + فعل» وجود دارد؟

- الف- یا که به راه آرم این صید دل رمیده را / یا به رهت سپارم این جان به لب رسیده را
- ب- یا که غبار پات را نور دو دیده می‌کنم / یا به دو دیده می‌نهم پای تو نور دیده را
- ج- کودک اشک من شود، خاکنشین ز ناز تو / خاکنشین چرا کنی کودک نازدیده را؟
- د- گر ز نظر نهان شوم چون تو به ره گذر کنی / کی ز نظر نهان کنم، اشک به ره چکیده را
- ه- جز دل و جان چه آورم بر سر ره؟ چو بنگرم / ترک کمین گشاده و شوخ کمان کشیده را

(۱) الف، ب، د (۲) ب، ج، ه (۳) ب، د (۴) ب، ج، د

نقش کلمات مشخص شده در کدام گزینه نادرست آمده است؟

- (۱) پنجه شمشاد را از شانه بیرون کرده است / بارها زور کمان حلقه گیسوی تو (مفعول - نهاد)
- (۲) پرتو روی تو شمع خلوت روشندهان / جوهر آینه از زنجیریان موی تو (مسند - مضافق‌الیه)
- (۳) چون تماشایی نگردد از تماشای تو مست؟ / باده گلنگ می‌سازد عرق را روی تو (صفت - نهاد)
- (۴) سحر چشمان تو باطل نکند چشم‌آویز / مست چندان که بکوشند نباشد مستور (نهاد - مفعول)

اجزای کدام مصروع «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟

- (۱) مرا لفظ‌شیرین خواننده داد
- (۲) مراجعت تر و خشک و گرمت و سرد
- (۳) عسل خوش کند زندگان را مراجعت
- (۴) به یک بار از ایشان برآمد خروش

نقش دستوری کدام واژه نادرست آمده است؟

- (۱) زمانه گرچه بسی بر سرم سپاس نهاد / کمند زلف تو باری دگر به دستم داد (مفعول)
- (۲) حسب حالی سخنی بس خوش و موجز یاد است / عرضه دارم اگر رخصت اطناپ دهی (مضافق‌الیه)
- (۳) تو را هر چه مشغول دارد ز دوست / اگر راست خواهی دلارامت اوست (مفعول)
- (۴) بندهی حلقه به گوش از نتوای برود / لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش (مسند)

در کدام بیت هم چهار جزوی مفعول و مسند هم سه‌جزئی با مفعول وجود دارد؟

- (۱) یک امروزی عتاب‌آلوده دیده روی او، مردم / کسی را جان کجا ماند، اگر ما هی چنین باشد
- (۲) خواهم اندر پایت افتتم، دامنت گیرم به دست / چون تو را دیدم، ز شادی دست و پا گم می‌کنم
- (۳) نه مست بودی و پنداشتم که چون مستان / همی به حیله‌شناسی بلندی از پستی
- (۴) این سبک‌روحی که من از گنج عزیت دیده‌ام / دلگران از صحبت احباب می‌باشد مرا

در بیت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده، به ترتیب، کدام است؟

«رهایی نیابد کس از دست کس / گرفتار را چاره صبرست و بس»

- (۱) نهاد، نهاد، متمم، متمم، مسند
- (۲) مفعول، متمم، متمم، مسند
- (۳) نهاد، مفعول، مضافق‌الیه، نهاد
- (۴) مفعول، نهاد، مضافق‌الیه، مسند

اجزای اصلی در کدام بیت با اجزای اصلی مصراع زیر یکی است؟

«مرا به بند، دوران چرخ راضی کرد»

- ۱) تو اگر ترک جهان کرده سر او داری / پس نخستین ز سر خویش گذار باید کرد
- ۲) رخش ز دیده معنی به صورتی دیدم / که صورت دگران بازی و بهانه نمود
- ۳) یک شب از شب های هجران زلف او دیدم به خواب / بعد از آن عمر درازم در سر تعبیر شد
- ۴) عاشق ثابت قدم، پروانه را دیدم که او / باخت جان در عشق و روی، از شمع تابان برنتافت

نقش مشخص شده در کدام بیت درست است؟

- ۱) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است / که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است (مفعول)
- ۲) قلندران حقیقت به نیم جو نخرند / قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است (صفت)
- ۳) می چکد شیر هنوز از لب هم چون شکرش / گرچه در شیوه گری هر مژه اش فتالی است (متهم)
- ۴) نرگس طلبد شیوه چشم تو، زهی چشم / مسکین خبرش از سرو در دیده جیا نیست (مستند)

نقش دستوری واژگان مشخص شده در ایات زیر به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

- امروز روز شادی و امسال سال گل / نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
در ره عشق وطن از سر جان خاسته ایم / تا در این ره چه کند همت مردانه ما
- (۱) نهاد، مستند، مضارف الیه
 - (۲) قید، مستند، مفعول، مضارف الیه
 - (۳) نهاد، مستند، مفعول، مضارف الیه

نقش کلمه های مشخص شده در برابر کدام بیت کاملاً درست نیست؟

- ۱) عاشق شوار نه روزی کار جهان سرآید / ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی (مستند - مضارف الیه)
- ۲) دوش آن صنم چه خوش گفت در مجلس مغانم / با کافران چه کارت گر بت نمی پرسی (مضارف الیه - مفعول)
- ۳) سلطان من خدا را زلفت شکست ما را / تا کی کند سیاهی چندین درازدستی (منادا - نهاد)
- ۴) در گوشة سلامت مستور چون توان بود / تا نرگس تو با ما گوید رموز مستی (مستند - مفعول)

در کدام بیت جمله ای با ساختار «نهاد + مفعول + مستند + فعل» دیده نمی شود؟

- ۱) عشق تو را نیک می شمردم و بد شد / جهل بود کار عشق خوار گرفتن
- ۲) چو دیدم خوار خود را از در آن بی وفا رفتم / رسد روزی که قدر من بداند حالیا رفتم
- ۳) چو او دیدم چه خواهم کرد منزل / چو جان دیدم چه خواهم کرد با دل
- ۴) بیدل امشب سیر آتشخانه دل داشتم / شعله ای را با فتم خاموش دانستم تو بی

در چند بیت، هر دو واژه هی قافیه، نقش دستوری «مستند» دارند؟

- الف) چاه را تو خانه ای بینی لطیف / دام را تو دانه ای بینی ظریف
- ب) پس سرای پر ز جمع و ائمه / پیش چشم عاقبت بیانان تهی
- پ) بنگر این کشتی خلقان غرق عشق / اژدهایی گشت گویی حلق عشق
- ت) چون عدو نبود، جهاد آمد هحال / شهوت نبود، نباشد امثال
- ث) امروز چو خاک رهم از خوار گرفتی / ای دسوی نه آنم که مرا یار گرفتی؟
- ج) آرامگه دل خم مویت دیدم / بینایی دیده خاک کویت دیدم
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

«صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نیاش نام نهادند

دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دیاش نام نهادند»

(۱) نقش «ش» مفعول و «مرداد» مستند است.

(۲) دو وابسته‌ی پیشین و دو وابسته‌ی پسین به کار رفته است.

(۳) واژه‌ی همآوا و رابطه‌ی معنایی تضاد در سروده می‌توان یافت.

(۴) حرف ربط همپایه‌ساز و وابسته‌ساز «هر دو» یافت می‌شود.

نقش واژه‌های مشخص شده بهتریب در کدام گزینه آمده است؟

نییند مدعی جز خویشن را / که دارد پرده پندار در پیش

گرت چشم خدابینی بیخشد / نبینی هیچ‌کس عاجزتر از خویش

(۱) مفعول، متمم، مفعول، مفعول، مفعول، قید

(۲) مفعول، متمم، مفعول، نهاد، مفعول، قید

(۳) مفعول، متمم، نهاد، مفعول، مستند

نقش دستوری واژگان کدام گزینه بهتریب در کمانک روبروی آن کاملاً درست آمده است؟

(۱) نرفتم به محرومی از هیچ کوی / چرا از در حق شوم زردروی (نهاد - مستند)

(۲) چو تو خود کنی اختر خویش را بد / مدار از فلک چشم نیک‌اختری را (بد - مستند)

(۳) رضا به داده بده وز جیبن گره بگشای / که بر من و تو در اختیار نگشاده است (مفعول - صفت)

(۴) چو بلبل روی گل بیند، زیانش در حدیث آید / مرا در روت از حیرت، فرویسته است گویایی (نهاد - مفعول)

کدام جمله از نظر اجزای دستوری با دیگر جملات یکسان نیست؟

(۱) او را مطوقه خواندند.

(۲) رخ شاه کاووس پر شرم دید.

(۳) نقاش، چهره‌اش را زرد کرد.

در کدام گزینه نقش دستوری واژه‌ای که مشخص شده است، یکسان نیست؟

(۱) سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست

(۲) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

(۳) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست

(۴) اگر خونین دلی از جور ایام / لب خندان بیاور چون لب جام

نقش واژه‌ی مشخص شده در کدام بیت درست پیدا نشده است؟

(۱) از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمریند (صفت)

(۲) تا چشم بشر نییند روی / بنهفته به ابر چهر دلبند (مضاف‌الیه)

(۳) بناخت ز خشم بر فلک مشت / آن مشت توبی تو ای دماوند (مستند)

(۴) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند (مفعول)

نوشه‌ای برای موفقیت

«نقش دستوری» واژه‌های مشخص شده در هر گزینه یکسان است، به جز..... .

- ۱) تو نیز خیمه ز خود چون شکوفه بیرون زن / که شد سفید بساط زمین ز چادر عیش
- ۲) سر پیاله کشان چون به آسمان نرسد؟ / که کوچه‌ها شده چون کهکشان ز اختر عیش
- ۳) عجب که یک دل پژمرده در جهان ماند / که شد گشاده ز گل بر رخ جهان در عیش
- ۴) به همچون شانه نیاید ز شوق، مژگاش / به دست هر که فتد طره معنبر عیش

با توجه به بیت زیر نقش دستوری کدام واژه‌ی مشخص شده نادرست است؟

«جهان پیر است و بی‌بنیاد از این فرهادکش فریاد / که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرین»

- ۱) افسون: نهاد
- ۲) «ش» در نیرنگش: مضافق‌الیه
- ۳) ملول: مستند

نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب چیست؟

وای آن دل کش چنین سودا فتاد / هیچ کس را این چنین سودا مباد

- ۱) حرف ندا، نهاد، نهاد، مستند
- ۲) شبه‌جمله، متمم، متمم، نهاد
- ۳) قید، متمم، متمم، نهاد

نقش دستوری واژه‌ها، به ترتیب در کدام گزینه، هر دو درست مشخص شده‌است؟

- ۱) چون صلای وصل بشنیدن گرفت / اندک‌اندک مرده جنبیدن گرفت (مفعول، نهاد)
- ۲) با دو عالم عشق را بیگانگی / اندر او هفتاد و دو دیوانگی (مفعول، صفت)
- ۳) آزمودم من هزاران بار بیش / بی تو شیرین می‌نبینم عیش خویش (مفعول، مستند)
- ۴) هان تو را می‌جورید آن شه خشمنگین / تا کشد از جان تو دهساله کین (قید، قید)

نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

«ازام نیست آبله پایان شوق را / مانع نگردد از حرکت، آب را حباب»

- ۱) نهاد، متمم، مضافق‌الیه، نهاد
- ۲) مستند، نهاد، مضافق‌الیه، نهاد
- ۳) نهاد، مفعول، مفعول، مفعول، متمم

در کدام بیت، یک جمله‌ی «نهاد + مفعول + فعل» و یک جمله‌ی «نهاد + مستند + فعل» یافت می‌شود و فاقد منادا است؟

توضه‌ای برای موققت

- ۱) تا مگر صائب شکست خویش را سازی درست / در پی خورشید تابان روز و شب چون ماه باش
- ۲) همیشه فکرت صائب شکار دل می‌کرد / کمند ناله‌ی او نیست دل شکار امروز
- ۳) غیرصائب که دمی می‌زند از سوز جگر / اثر از گرمی گفتار نمانده است امروز
- ۴) مرد نیرنگ خزان و نوبهاران نیستی / در بساط خاک صائب غنچه‌ی تصویر باش

با توجه به رباعی زیر، کدام گزینه غلط است؟

«در دام غمت دلم زبون افتاده است / دریاب که خسته بی‌سکون افتاده است

شاید که پرسی و دلم شاد کنی / چون می‌دانی که بی‌تو چون افتاده است»

۱) جمله‌ی پایانی، مفعول جمله‌ی پیشین است.

۲) در رباعی فوق «سه ترکیب اضافی» وجود دارد.

۳) زبون و بی‌سکون، هر دو صفت‌اند و نقش «قیدی» دارند.

۴) جمله‌ی «دلم شاد کنی» از «نهاد + مفعول + مسند + فعل» تشکیل شده است.

نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

«غافل نکند بستر گل، شبین ما را / در دیده‌ی روشن گهران خواب نیاید»

۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد

۲) نهاد، مفعول، مسند، نهاد

۳) نهاد، مسند، مفعول، مسند

نقش واژه‌ها در کدام گزینه درست مشخص نشده است؟

۱) بحر اگر شود جهان کشتی نوح اندریم / کشتی نوح کی شو سخراهی غرفه و تلف

مسند مضاف‌الیه

۲) در عالم پیر هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

نهاد صفت

۳) نی نی تو نه مشت روزگاری / ای کوه نی ام ز گفته خرسند

مضاف‌الیه قید

۴) گر روی این ره مسلمان گوییمت / فیض بار از نور ایمان گوییمت

مسند صفت

در بیت «سخت است پس از جاه تحکم بردن / خو کرده به ناز جور مردم بردن» نقش گروههای اسمی مشخص شده

به ترتیب چیست؟

۱) متمم، مضاف‌الیه، نهاد، مفعول

۲) قید، نهاد، قید، مضاف‌الیه

۳) متمم، مضاف‌الیه، نهاد، مفعول

۴) قید، نهاد، قید، مفعول

نقش کدام واژه نادرست است؟

۱) دل به دشواری توان برداشت از جان عزیز / می‌شود یا رب سخن چون از لب جانان جدا (نهاد)

۲) کم نگردد آنچه می‌آید به خون دل به دست / نیست از دادمان دریا پنجه مرجان جدا (مسند)

۳) قانع از دوری به تلخ و شور شو صائب که ساخت / پسته را آمیزش قند از لب خندان جدا (مفعول)

۴) می‌شود بیگانگان را دوری ظاهر حجاب / آشنايان را نمی‌سازد ز هم هجران جدا (متمم)

در کدام گزینه «نقش مسندي» به کار رفته است؟

- (۱) سیر صحرای شکرخیز قناعت کردم / چون شکر، مور در او جوش حلاوت می‌زد
- (۲) می‌توان دید ز سیما گهر هر کس را / چیست در سینه‌ی مکتوب که در عنوان نیست؟
- (۳) خاک راه انگار و درد جرعه‌ای بر ما بربیز / گرد خجلت را بشو از چهره‌ی تقصیر ما
- (۴) هر کجا اهل دلی نیست مزن دم «صائب» / نتوان خواند به هر کس سخن دلکش را

در کدام گزینه به ترتیب به نقش‌های دستوری واژه‌های مشخص شده اشاره شده است؟

«ای نام تو شده به نکویی و مرحمت / مشمار سهل، نعمت ذکر جمیل را

باشد بهشت نقد، شهیدان اگر کنند / گلگونه عذر تو خون سبیل را»

- (۱) منادا - مسنند - نهاد - مسنند - مسنند
- (۲) منادا - مسنند - نهاد - مسنند - مسنند
- (۳) نهاد - مسنند - مسنند - نهاد

الگوی ساخت همه‌ی گزینه‌ها بهجز جمله‌ی گزینه‌ی «نهاد + مفعول + مسنند + فعل» است.

- (۱) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.
- (۲) محبت به غایت را عشق خوانند.
- (۳) برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند.

نقش «سعدی» در کدام مورد، با بقیه متفاوت است؟

- (۱) سعدی چراغ می‌نکند در شب فراق / ترسد که دیده باز کند جز به روی دوست
- (۲) نگفتمت که به یغما رود دلت سعدی / چو دل به عشق دهی دلبران یغما را
- (۳) سعدی تو مرغ زیرکی خوبت به دام آورده‌ام / مشکل به دست آرد کسی مانند تو شهباز را
- (۴) گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش / می‌گوییم و بعد از من گویند به دورانها

در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟

- | | |
|--|-------------------------------|
| الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش | ب) نشستم تا برون آیی خرامان |
| ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی | د) دوست دارد آنکه دارای دوستش |
| (۱) دو | (۲) پنج |
| (۳) چهار | (۴) سه |

با توجه به مصراع‌های زیر، اجزای کدام مصراع‌ها از «نهاد + فعل» تشکیل شده است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| الف) بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول | ب) دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سبل |
| ج) سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار | د) ز سر به در نرود هم‌چنان امید وصال |
| ه) دی به چمن برگذشت سرو سخنگوی من | (۱) الف، ب، د |
| (۲) الف، د، ه | (۳) ب، ج، ه |
| (۴) ب، د، ه | |

اجزای تشکیل دهنده همهی جمله‌ها در مقابل آن‌ها، «کاملاً» درست است؛ به جزء:

- (۱) دانشجویان تازه وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل)
- (۲) از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل)
- (۳) این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
- (۴) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)

در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

- «گریه‌ی تلخ است چون گل حاصلش از زندگی / عمر خود هرکس که صرف شادمانی کرده است»
- (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد
 - (۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند
 - (۳) مسند، نهاد، مضافق‌الیه، بدل
 - (۴) مسند، متمم، مفعول، نهاد

نوع جملات از نظر اجزا در کدام گزینه تماماً یکسان است؟

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ب) خیال روی توام روشن در نظر می‌گشت | الف) گفتم یکی به گوشی چشم نظر کنم |
| د) بدار، ای پندگو از دامن دست | ج) من در این جای همین صورت بی‌جانم و بس |
| و) پیش وجودت چرا غ بازنشسته است | ه) خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد |
| ز) زانگ که بر آن صورت خوبم نظر افتاد | ز) زانگ که بر آن صورت خوبم نظر افتاد |
| (۱) ز - ب - ح | (۲) د - الف - ز |
| (۳) و - ج - ب | (۴) و - ب - ح |

در همهی گزینه‌ها نقش واژه‌های مشخص شده، تماماً درست است، به جزء:

- (۱) گرم و خونین به منش باز آری/تا برد ز آینه‌ی قلبم زنگ (قید - مفعول)
- (۲) ای گل که موج خندهات از سر گذشته است/آماده باش گریه‌ی تلح گلاب را (نهاد - متمم)
- (۳) هان ای عزیز فصل جوانی به هوش باش/در پیری از تو هیچ نیاید به غیر خواب (مسند - متمم)
- (۴) من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم/اینم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد (بدل - مسند)

در کدام گزینه معنای (آمدن) متفاوت است؟

- | | |
|---|---|
| (۱) تارقم حسن تو زد آسمان/ نامزد عشق تو آمد جهان | (۲) آن پری کز خلق پنهان بود چندین روزگار/ باز می‌بینم که در عالم پدیدار آمدست |
| (۳) آن جا روم، آن جا روم، بالا بدم بالا روم/ بازم رهان بازم جا به زنگار آمد | (۴) خاک وجود ما را از آب دیده گل کن/ ویران سرای دل را گاه عمارت آمد |

اجزای جمله‌های کدام بیت، همانند اجزای جمله‌های بیت زیر است؟

- «حفظ آب روی خواهش کن که گردون خسیس / نان خود را تر به آب روی سایل می‌کند»
- (۱) می‌دهد از حسن عالمگیر مجنون را خبر / این که لیلی هر نفس تغییر محمل می‌کند
 - (۲) خصم غالب را زیبون، صبر و تحمل می‌کند / از تواضع سیل را مغلوب خود پل می‌کند
 - (۳) یوسف نداشت نعمت دیدار این قدر / حسن تو چشم آینه را سیر می‌کند
 - (۴) تشهه جانان را کجا سیراب ساغر می‌کند؟ / ریگ در یک آب خوردن بحر را برابر می‌کند

اجزای جمله‌های تشکیل دهنده‌ی همه‌ی ایات «نهاد + مستند + فعل» است؛ بهجز:

- ۱) از دود آه ماست که ابر آشکار گشت / وز سیل اشک ماست که دریا پدید شد
- ۲) صیاد من آن است که نخجیر تو گردد / سلطان من آن است که هندوی تو باشد
- ۳) دستگیر خستگان جام می گلنگ شد / مشرب آتش عذاران آب آتش رنگ بود
- ۴) در راه مهر نیست به جز سایه همنشین / در کوی عشق نیست به جز ناله همنفس

در عبارت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

گفت: خاموش! که در پستی مردن، به که حاجت پیش کسی بردن.

- ۱) نهاد، نهاد، متمم، مستند
- ۲) نهاد، نهاد، مستند، متمم
- ۳) مستند، متمم، نهاد، نهاد

در بیت زیر «چند مستند و چند قید» به ترتیب، یافت می‌شود؟

اگر گرد کسی بسیار گردی / اگر چه بس عزیزی خوار گردی

- ۱) دو - سه
- ۲) دو - دو
- ۳) سه - سه
- ۴) سه - سه

در چند بیت «نقش مستندی» وجود دارد؟

- الف) شبنم ز وصل گل چه نشاط آرزو کند / این جاست بر نگاه مقدم گریستن
- ب) رفته بودیم به خلوت که دگر می‌نخوریم / ساقیا باده بده کز سر آن گردیدیم
- ج) من ز باب علم عطار آمدم / لاجرم گویای اسرار آمدم
- د) که شیرین گرچه از من دور بهتر / ز ریش من نمک مهجور بهتر
- ه) عاشق گوید که درد دیرینه من / من دانم و من که چیست در سینه من
- و) نسیم صبح جزا را فسانه پندارند / جماعتی که به خواب گران برآمده‌اند

- ۱) ۵
- ۲) ۴
- ۳) ۳
- ۴) ۲
- ۵) ۴

در کدام گزینه نهاد حذف شده است؟

- ۱) ردای اهل تقوی بادبان کشتنی می‌شد / لب می‌گون او تا ریخت در پیمانه صهبا را
- ۲) برون از خود ندارد چاره‌ای درد دل عاشق / همان کف مرهم کافور باشد زخم دریا را
- ۳) ز چاه افتادن یوسف همین آواز می‌آید / که در صحرای پر چاه وطن، فهمیده نه پا را
- ۴) ز دعوی بسته گردد چون زیان، معنی شود گویا / به گفتار اورد خاموشی مریم، مسیح را

در کدام گزینه، به ترتیب، به نقش دستوری واژه‌های مشخص شده اشاره شده است؟

«می‌زند غیر در صلح به من چیزی هست / و اندرين باب تقاضای تو بی‌چیزی نیست

من خود ای شوخ گنه کارم و مستوجب قهر / با من امروز مدارای تو بی‌چیزی نیست»

- ۱) مفعول - متمم - مستند - نهاد - معطوف
- ۲) نهاد - مضاف‌الیه - نهاد - مستند - بدل - مستند
- ۳) مفعول - متمم - نهاد - قید - بدل - معطوف
- ۴) نهاد - مضاف‌الیه - مستند - قید - بدل - مستند

نقش دستوری کلمه مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) چه خوش فرمود آن پیر خردمند / وزین خوش تر نباشد در جهان پند (مسند)
- (۲) اگر خوبین دلی از جور ایام / لب خندان بیاور چون لب جام (تمم)
- (۳) به پیش اهل دل گنجی است شادی / که دستاورد بی رنجی است شادی (نهاد)
- (۴) به آن کس می رسد زین گنج بسیار / که باشد شادمانی را سزاوار (مسند)

در عبارت «عطار نیشابوری، یکی از برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی است که به درجه‌ی والایی از کمال معرفت دست یافت و آنچه را که سنایی در آغاز کار از سرمایه‌های عرفانی به عرصه‌ی شعر فارسی وارد کرد با هنرمندی به کمال نسبی نزدیک ساخت». چند «وابسته‌ی وابسته» به کار رفته است؟

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

در کدام عبارت، وابسته‌ی وابسته و نمودار آن، به درستی مشخص شده است؟

- (۱) یکی از این دو تن باید از میان برداشته شود و این اسفندیار خواهد بود.

۲) اگر چشم‌های دورنگر اسفندیار اندکی حقیقت بین بود، بازی شوم پدر را در می‌یافتد.

۳) رستم پهلوانی است که عمری بس دراز به مردانگی ایزدان با دست یاران اهریمن جنگیده است.

۴) رستم در ژرفای ذهن خوانندگان، می‌بایست شکست ناپذیر بماند، حتی در برابر طلس زرتشت.

وابسته‌ی وابسته در کدام مصراع، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» نیست؟

- (۱) باید که نشان در میخانه پرسی
- (۲) اسرار دل سوخته پیدا نتوان کرد
- (۳) پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد
- (۴) بی می، طلب آب رخ از ما نتوان کرد

کدام بیت فاقد «وابسته وابسته» است؟

- (۱) من ای گل دوست می‌دارم تو را کز بوی مشکنت / چنان مستم که گزینی بوی یار مهربان آید
- (۲) زمین باغ و بستان را به عشق باد نوروزی / بباید ساخت با جوری که از باد خزان آید
- (۳) هر دم ز سوز عشقت سعدی چنان بتالد / کز شعر سوزناکش دود از قلم برآید
- (۴) یک دست جام باده و یک دست زلف یار / رقصی چنین میانه میدانم آرزو نفتیت

در کدام بیت هسته گروه اسمی دارای هر دو وابسته صفت و مضاف‌الیه است؟

- (۱) دل هوشمند باید که به دلبری سپاری / که چو قبله‌ایت باشد به از آن که خودپرسی
- (۲) سودا زده‌ای کز همه عالم به تو پیوست / دل نیک بدادت که دل از وی بگستی
- (۳) نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا / تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی
- (۴) همه عمر برندارم سر از این خمار مستی / که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی

«خوار می‌کن، زار می‌کش، متست بر جان ماست / خواری ظاهر گواه عزّت پنهان ماست
 چشم ظاهربین بر آزار است وای ار بنگرد / این گلستان‌ها که پنهان زیر خارستان ماست
 ترک ما کردی و مهر و لطف بیعت با تو کرد / ناز و استغنا ولی هم عهد و هم پیمان ماست
 بر وجود ما طلسی بسته حرمان درت / کانچه غیر از ماست دیوار و در زندان ماست
 بی‌رضای ماست سویت آمدن از ما منجع / این نه جرم ما گناه پای نافرمان ماست
 عقل را با عشق و عاشق را به سامان دشمنیست / بی‌خرد وحشی که در انديشه‌ی سامان ماست»

۱(۴)

۲(۳)

۳(۲)

۴(۱)

در همه‌ی ایات، مضاف‌الیه مضاف‌الیه، وجود دارد، بهجز:

- (۱) خواهی که سرفراز شوی هم‌چو زلف یار / در پای یار سرکش خورشید‌چهره افت
- (۲) هرکس که دید قامت آن سرو سیم تن / ای بس که خاک پای صنوبر به دیده رُفت
- (۳) شد مدّتی که دیده اخته شمار من / یک شب ز عشق نرگس پرخواب او نخفت
- (۴) مرید جذبه‌ی بی اختیار منصورم / که سر عشق تو را در میان میدان گفت

اگر بخواهیم نمودار «وابسته‌ی وابسته» را در مصraع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

- (۱) باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن
- (۲) شرط است احتمال جفاهای دشمنان
- (۳) معجزات پنج پیغمبر به رویش در پدید

در کدام گزینه به ترتیب «صفت مضاف‌الیه»، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» و «ممیز» نیامده است؟

- (۱) صدای هر انسان / درخت باغمان / پنج دستگاه رادیو
- (۲) چهره کودک دوست‌داشتنی / ماهیت تفکر نویسنده / دو تا سیب
- (۳) دست کدام انسان / لذت دوران قدیم / یک مشت خاک
- (۴) ایام دوران پیری / دیواری کلاس ما / صد دست لباس

در کدام گزینه نوع وابسته وابسته، صحیح نوشته شده است؟

- (۱) بود روشن این نکته بر اهل دید / که می‌ناید از قفل کار کلید (صفت مضاف‌الیه)
- (۲) ریختم با نوجوانی باز طرح زندگانی / تا مگر پیرانه سر از سر بگیرم نوجوانی (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
- (۳) شد ز جام صبر کام عیش من تلخ‌ای طبیب / شریتی فرما که این تلخی کام من برد (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
- (۴) هر کو شراب فرقت روزی چشیده باشد / داند که سخت باشد قطع امیدواران (قید صفت)

در کدام گزینه وابسته وابسته به کار نرفته است؟

- (۱) در مقامی که جان نمی‌گردد / گرد آن‌جا کجا توان گردید
- (۲) چو طفل اشک مپرس از رسایی طbum / ز خود گذشتم اگر درس من روان گردید
- (۳) امل در مزرع ما ره ندارد / فسون ریشه، دام دانه کیست
- (۴) زن خوب فرمایبر پارسا / کند مرد در رویش را پادشا

در کدام گزینه وابسته وابسته به کار نرفته است؟

- (۱) چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش / زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست
- (۲) کوه نتوانست پیچیدن عنان سیل را / سالکان را کعبه و بتخانه سنگ راه نیست
- (۳) زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
- (۴) کعبه عشق تو پنداری سرکوی فناست / می‌توان رفتمن ولی در بازگشتن راه نیست

در عبارت زیر چند وابسته وابسته به کار رفته است؟

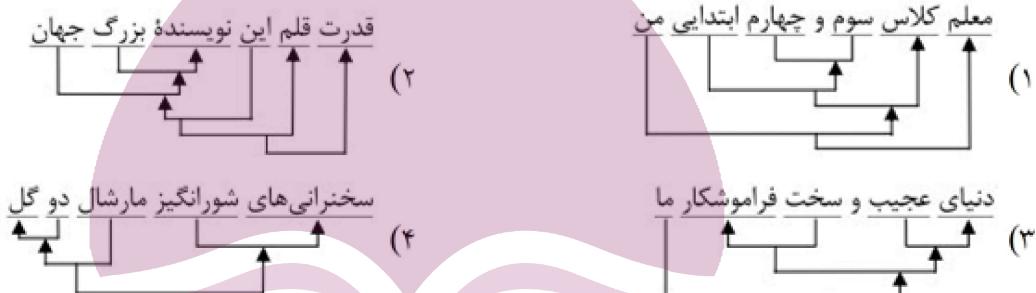
«دو جلد کتاب نفیس داستان خریدم. بر جلد اول، تصویری از کاوه آهنگر و بر جلد دوم، تصویر ضحاک سفاک نقش بسته بود. نویسنده آن داستان‌ها برای من ناشناس بود، نمی‌دانم هدفش چه بود که رنگ آنها را قهقهه‌ای تیره برگزیده بود».

- (۱) سه
- (۲) چهار
- (۳) پنج
- (۴) شش

در عبارت «امگر می‌خواهی آبروی خودت را بریزی؟ همهٔ حسن کباب غاز به این است که دست‌نخورده روی میز بیاید. فهمیدم هر طور شده برای پیدا کردن یک رأس غاز دیگر باید عجله کرد.» کدام وابسته وابسته دیده نمی‌شود؟

- (۱) مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- (۲) صفت مضاف‌الیه
- (۳) ممیز
- (۴) قید صفت

نمودار کدام گروه اسمی درست کشیده نشده است؟



در کدام بیت، مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه، هر دو، وجود دارد؟

- (۱) زنگیان دشمن آینه‌ی بی‌زنگارند / طمع روی دل از تیره‌دلان نیست مرا
- (۲) گرچه چون سرو تماشاگه اهل نظرم / از جهان جز گره ثمری نیست مرا
- (۳) عرق غیرت پیشانی خورشیدم من / نفس صبح قیامت نکند سرد مرا
- (۴) قسمت یوسف بی‌جرم نشد از اخوان / گوش‌مالی که در این دور هنر داد مرا

شکل نمودار وابسته وابسته در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) آخر بسوخت جانم در کسب این فضایل
- (۲) گل در این گلشن کجا دارد سر پروای ما
- (۳) زیور آینه دل روشنی باشد، نه عکس
- (۴) غلام همت آنم که دل بر او ننهاد

در عبارت زیر، چند وابسته وابسته وجود دارد؟

«هر زبانی از طریق واژگان خود به سطوح مختلف فرهنگ جامعه‌ای که به آن تعلق دارد و نیز به کل فرهنگ بشری، می‌پیوندد. در نتیجه، بخشی واژگان بیش از هر بخش دیگر زبان، از انواع تحول علمی و ... تأثیر می‌پذیرد».

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

در همه گزینه‌ها وابسته یافته می‌شود، به جز:

- (۱) نیما برای درک صمیمی شاعر از جهان وجود و از زندگی پیش از هر چیز ارزش قائل بود.
- (۲) اکنون که سخن از مشخصات شعر نیعماست ناچار ذکری هم از پیچیدگی تعبیرهای او باید کرد.
- (۳) نیما در بعضی اشعار، گرچه یک موضوع معمولی را بیان می‌کند ولی با زبان بسیار تازه، به طرح آن می‌پردازد.
- (۴) زیان تازه وصف فقر، وقتی جالب‌تر است که در شعر نیما منعقد می‌گردد.

در کدام بیت دو نوع وابسته وابسته دیده می‌شود؟

- (۱) به سینه می‌زندم سر، دلی که کرده هوای / دلی که کرده هوای کرشمه‌های صدایت
- (۲) نه یوسفم، نه سیاوش، به نفس کشتن و پرهیز / که آورده دلم ای دوست، تاب و سوشهایت
- (۳) گرده به کار من افتاده است از غم غربت / کجاست چاکی دست‌های عقده‌گشایت؟
- (۴) «دلم گرفته برایت» زیان ساده عشق است / سلیس و ساده بگویم: دلم گرفته برایت

در عبارت زیر چند وابسته وابسته استفاده شده است؟

«این که ارواح انسان‌های کامل در زندگی سابق خود، یعنی زندگی پیش از آغاز وجود، بر نقش هر که هست شد آگاهی دارند، خود دلیل معلوم بودن تقدیر هر کس در علم بینهایت حق است.»

- (۶) ۴
- (۵) ۳
- (۴) ۲
- (۱) ۲

نمودار کدام گروه واژه غلط است؟

- (۱) رفتار کاملاً درست پدر خانواده

- (۳) اولین سالگرد تأسیس این مؤسسه

نمودار کدام گروه اسمی درست کشیده نشده است؟

- (۱) مهربانی‌های هرگز ندیده و هرگز ننشیده

- (۳) سبکشناسی شعر شاعران دوره پادشاهی

- (۲) تقاضا رفتار و گفتار آن‌ها

- (۴) پیراهن قرمز گل‌دار خواهران دوقلوی عروس

نوع وابسته‌های وابسته در کدام گزینه، با سرودهی زیر یکسان است؟

«پهلوان هفت خوان اکنون / طعمه‌ی دام و دهان خوان هشتم بود»

- (۱) بس که خونش رفته بود از تن / بس که زهر زخم‌ها کاریش
- (۲) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد
- (۳) شیر مرد عرصه‌ی ناوردهای هول / پور زال زر، جهان پهلو
- (۴) آن سکوت‌ش ساكت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشناش گرم

نمودار کدام گروه اسمی «غلطه» است؟

۱۱۶

۱) روی دختر دلbind طبع من

۳) میان عرصه شیراز خرم

۲) ورای قدر التفات صدر جهان

۴) بندنهنوازی آن پادشاه خوش غیرت

نمودار یکانی گروههای اسمی در کدام گزینه کاملاً درست است؟

۱) چراغ روی تو را شمع گشت پروانه / مرا ز حال تو با حال خویش پروانه

۲) چراغ روی تو را شمع گشت پروانه / مرا ز حال تو با حال خویش پروانه

۳) چراغ روی تو را شمع گشت پروانه / مرا ز حال تو با حال خویش پروانه

۴) چراغ روی تو را شمع گشت پروانه / مرا ز حال تو با حال خویش پروانه

۱۱۷ تنها در بیت گزینه وابسته وابسته به کار رفته است.

۱) طرفه می دارند یاران صبر من بر داغ و درد / داغ و دردی کز تو باشد خوشتترست از باغ ورد

۲) شب تاریک هجرانم بفرسود / یکی از در درآی ای روشنایی

۳) حمل رعنایی مکن بر گریه صاحب سماع / اهل دل داند که تا زخمی نخورد آهی نکرد

۴) هیچ کس را بر من از یاران مجلس دل نسوخت / شمع می بینم که اشکش می رود بر روی زرد

۱۱۸ در کدام گزینه به ترتیب «قید صفت» و «صفت صفت» آمده است؟

۱) هوای خوب بهاری - رنگ سفید شیری ۲) هوای نسبتاً تمیز - باغ سرسبز زیبا

۳) قسمت بسیار مبهم - ماشین سبز شیر

۱۱۹ نمودار کدام ترکیب، درست رسم شده است؟

۲) حسرت آن لعل روانبخش

۴) آن زیارتگه رندان جهان

۱) حلقه‌ی زلف سیاهش

۳) غلام همت آن رند

در کدام ایات به ترتیب «معطوف، حذف فعل، ممیز، بدل» آمده است؟

- (الف) یاد باد آن که چو یاقوت قدح خنده زدی / در میان من و لعل تو حکایت‌ها بود
- (ب) شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند / هزار گونه سخن در میان و لب خاموش
- (ج) برو معالجه‌ی خود کن ای نصیحت گو / شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد؟
- (د) دفتر دانش ما جمله بشویید به می / که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود
- (۱) الف، ج، ب، د (۲) الف، د، ج، ب (۳) ج، الف، ب، د (۴) د، الف، ب، ج

تعداد وابسته‌های وابسته در همه‌ی ایات، یکسان است؛ به جز:

- (۱) به یادگار کسی دامن نسیم صبا / گرفته‌ایم و دریغا که باد در چنگ است
- (۲) هر که دریابد نشاط باده‌ی تلخ فنا / بوسه بر لب‌های خنجر چون لب می‌گون دهد
- (۳) بند همه غم‌های جهان بر دل من بود / در بند تو افتادم و از جمله برسنم
- (۴) دست گدا به سبب زنخدان این گروه / نادر رسد که میوه‌ی اول رسیده‌اند

ردیف در کدام گزینه «وابسته‌ی وابسته» است؟

- (۱) متفعل دل خودم چند کشد جفای تو / عذر جفای تو مگر خواهش از خدای تو
- (۲) گشت ز تاب و طاقتمن تاب رقیب متفعل / هیچ خجل نمی‌شود طبع ستیزه‌رای تو
- (۳) شب همه شب دعا کنم تا که به روز من شوی / دل به ستمگری دهی کاو بدهد سزای تو
- (۴) رخنه چو می‌فتند به دل بسته نمی‌شود به گل / گرچه به سر بکوفتم نیک در سرای تو

وابسته وابسته به کار رفته در کدام بیت با نمودار پیکانی زیر تناسی ندارد؟

- (۱) نه روز می‌بشمدم در انتظار جمالت / که روز هجر تو را خود ز عمر می‌نشمردم
- (۲) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت / که آب دیده سرخم بگفت و چهره زردم
- (۳) بساط عمر مرا گو فرونورد زمانه / که من حکایت دیدار دوست درنوردم
- (۴) هر آن کسم که نصیحت همی کند به صبوری / به هرزه باد هوا می‌دمد بر آهن سردم

در متن زیر کدام نوع وابسته وجود ندارد؟

«ما قادرت اجاره حیاط دریست نداشیم. کارمان از آن زندگی پرزرق و برق کدخدایی به یک اتاق کرایه‌ای در یک خانه چند اتاقی کشید، همه جور همسایه در حیاطمان داشتیم، شیرفروش، رفتگر و یک زن مجرد، زن بسیار دلسوزی بود، نام آن زن همدم بود.»

- (۱) مضاف‌الیه مضاف‌الیه (۲) صفت مضاف‌الیه (۳) قید صفت (۴) صفت صفت

در کدام گزینه «وابسته‌ی وابسته» متعلق به «وابسته‌ی پیشین» است؟

- ۱) شبی گذشت تو را خوش که از پریشانی / نرفت یک مژه تا صبح چشم ما در خواب
- ۲) هفته‌ی عمرش چو گل در شادمانی بگذرد / از دل هر که رود «صائب» غم عقبی برون
- ۳) یک عمر هم‌چو غنچه در این بوستان مرا / خون خورده‌ایم تا گره از دل گشاده‌ایم
- ۴) شد ز پیری ناتوان هر عضوی از اعضای من / یک جهان بیمار را من چون پرستاری کنم

تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیشتر است؟

- ۱) آن که ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند / قوت جان حافظش در خنده‌ی زیر لب است
- ۲) شهسوار من که مه آینینه‌دار روی اوست / تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است
- ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست / گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست
- ۴) شرح شکن زلف خم اندرا خم جانان / کوته نتوان کرد که این قصه دراز است

در کدام ایات، «صفت مضافق‌الیه» وجود دارد؟

- الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبز خطان را / که باع خلد این ریحان جان‌پرور نمی‌دارد
- ب) مگر دیده است چشم خویش نگاه آن سمن برب را؟ / زمین خانه‌بردوشان عمارت برنمی‌دارد
- ج) نیبچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان / گل این باع شبنم از لطافت برنمی‌دارد
- د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل / که بار شانه آن زلف معنبر برنمی‌دارد
- ه) عرق رخسار آن خورشید طلعت برنمی‌دارد / که چشم از پست پا نرگس ز خجلت برنمی‌دارد
- (۱) الف، ب، ه (۲) الف، ج، د (۳) ب، ج، د (۴) ب، ج، ه

در کدام گزینه، دو نوع وابسته‌ی وابسته دیده می‌شود؟

- الف) به چشم اشکبار من چه خواهد کرد حیرانم / که آتش را به چشم آن روی تابان‌آب گرداند
- ب) مجوى عيش خوش از دور بازگون سپهر / که صاف این سر خم جمله دردی‌آمیز است
- ج) خنده‌ی جام می و زلف گره گیر نگار / ای بسا توبه که چون توبه‌ی حافظ بشکست
- د) خط به گرد لب جانبی خش تو می‌دانی چیست؟ / ظلماتی که از آن چشممه‌ی حیوان سر زد
- (۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

نمودار گروه اسمی در کدام گزینه درست ترسیم نشده است؟

غنجه‌های هنوز نشکننده باع خیال **توضه‌ای برای فلسفه‌ای** **فلسفه‌ای را گیرست**

(۳) هر قبضه تقنگ دوربرد ساخت ایران

(۴) آثار هنری هر کدام‌شان

در کدام گزینه تعداد وابسته‌ها و وابسته‌های مضافق‌الیه، یکسان است؟

- ۱) اگرچه آب رخت عین آتش است ولیک / فروغ آتش رویت در آب نتوان دید
- ۲) چو غلام آقتابم، هم از آقتاب بگویم / نه شب، نه شب پرستم، که حدیث خواب گویم
- ۳) ما و میخانه که تمکین گدایی در او / شوکت شاهی اسکندر و دارا ببرد
- ۴) تو آن ابری که عطر سایه‌ات، چون سایه‌ی عطرت / تواند هم گل و هم ماء، هم خورشید را پوشید

- ۱) مرا به دست تو خوش تر هلاک جان گرامی / هزار باره، که رفتن به دیگری به حمایت
- ۲) مشکن دلم که حقه‌ی راز نهان توست / ترسم که راز در کف نامحروم اوفتد
- ۳) با هر که مشورت کنم از جور آن صنم / گوید بباید دل از این کار برگرفت
- ۴) عاشق صادق دیدار من آن گه باشی / که به دنیا و به عقبی نبود پروایت

در همه‌ی گزینه‌ها گروه مستندی دارای «وابسته‌ی وابسته» است، بهجز

- ۱) مغز هرکس که ز فکر تو پریشان گردد/ سنبل باع بهشت است پریشان سخشن
- ۲) پنداشتم که هستی درمان سینه‌ی من/ پندار من غلط شد درمان نه ای، که دردی
- ۳) مشک با زلف سیاهش نه سیاهست و نه خوش/ سرو با قدر بلندش نه بلندست و نه راست
- ۴) تویی به حسن چو لیلی، ولیک هیچ شبی/ اینیس خاطر مجنون نمی‌شوی، چه کنم؟



گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این بیت فعل «بخشد» بعد از دوا، به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.
 بیت اول: حافظ، منادا است که فعل آن به قرینه‌ی معنی حذف شده است.
 بیت سوم: واعظ، منادا است و فعل آن حذف شده است.
 بیت چهارم: فغان، شبه جمله است و فعل آن به قرینه‌ی معنی حذف شده است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در مصraig دوم بیت گزینه (۴) حذف فعل به قرینه‌ی معنی صورت گرفته است:
 خاک در چشمت (باد) اگر در چشم پادشاهی بنگری.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. باید شدن (=باید شد) و شاید بودن (شاید بود) فعل هستند.
 بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): به دوستی [سوگند می خورم]

گزینه (۳): [سر] و لهراسب جاندار و خونریز را [بریده]

گزینه (۴): چه از آن به [است] که ...

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه (۱): افسوس (می خورم): معنی

گزینه (۲): چگونه شب به سحر می برند و روز به شام (می برند): لفظی

گزینه (۳): چه سود (دارد): معنی

گزینه (۴): چه باک (وجود دارد): معنی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه‌ی ۱: اگر دعایت ارادت بود و گر دشنام [بود] حرف به قرینه‌ی لفظی

گزینه‌ی ۲: به خوب رویی و ای سعدی [با تو هستم] حذف به قرینه‌ی معنی

گزینه‌ی ۳: خدایا [با تو هستم] حذف به قرینه‌ی معنی / دلم خون شد و دیده ریش [شد] حذف به قرینه‌ی لفظی

گزینه‌ی ۴: زخم شمشیر اجل به [است] حذف به قرینه‌ی معنی / کشتن اولی‌تر [است] حذف به قرینه‌ی معنی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

(۱) نه دست آن [دارم] که برآرم دل از چاه ذقش / نه قاب آن [دارم] که بیچم به عنبرین رسنش
 معنی

(۲) اگر چه پیل پانگ افکنی چو رویین تن / چه جای پنجه زدن [است] شیر زاپستان را
 معنی

(۳) تو ز ما فارغ و ما طالب او در همه حال [هستیم] / خود پستیدن او بنگر و خود رایی ما [بنگر]
 معنی

(۴) زمانی برآشفت و گفت ای رفیق [با توام]
 معنی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فعل «قسم می خورم» از مصراع اول حذف شده است.
به چشم های تو [قسم می خورم] که می دانم که تا از چشم رفتی ...

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فعل «فشنادند» در جمله‌ی دوم به قرینه‌ی لفظی فعل جمله‌ی اول حذف شده است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) دعای ستم دیدگان در پیت [بشد] ← قرینه معنوی

۲) یکی را که سعی قدم پیش تر [بشد] به درگاه حق منزلت بیش تر [بشد] ← حذف به قرینه معنوی

۴) اسیران محتاج در چاه و بند [باشند] حذف به قرینه معنوی

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. موارد حذف فعل در ایات:

۱) اگر پیل زوری و گر شیر چنگ [هستی] / به نزدیک من صلح بهتر [است] که (از) جنگ

۲) گر هر دو دیده هیچ نبیند به اتفاق / بهتر ز دیده [است] که نبیند خطای خویش

۳) بهایم خموشند و گویا [است] بشر / زبان بسته [باشد] بهتر [است] که گویا به شر [باشد]

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حذف در گزینه ۲ به «قرینه‌ی لفظی» اتفاق افتاده است:

روی زمین آن توست ملک فلک نیز هم [آن توست]

عالی انسان تو راست ملک و ملک نیز هم [تو راست]

حذف به «قرینه‌ی معنوی» در سایر گزینه‌ها:

۱) به دوستی [سوگند می خورم]

۳) هم چون قطه به چشم نایینا، گاه پیدا [است] و گاه ناییندا [است]

۴) در خود آن به [است] که نیکتر نگری / اول آن به [است] که عیب خود گویی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بر دوشم (مرا بر دوش) / م: نقش مفعولی

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) در برآید آن قبایپشم: در بر من یا قبایپشم من / م: مضاف الیه

۲) به خاطر یاد آب لب‌های می نوشم: (به خاطر من) / م: مضاف الیه

۴) شود از دل فراموشم: (دل من) / م: مضاف الیه

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حذف فعل در عبارت صورت سوال و همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه ۴ به قرینه‌ی معنایی
است، در گزینه ۴ حذف به قرینه‌ی لفظی است:

هر کسی را آتش در دل است و این بیچاره را آتش بر جان.

گزینه ۱: کار او باریک است [است] و هر که تو را نشناسد راه او تاریک است / گزینه ۲: یک چند به یاد تو
نازیدم، اینم بس [است] که صحبت تو را ارزیدم. / گزینه ۳: به حق تو [سوگند می دهم] که ما را در سایه‌ی غرور
نشانی.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این گزینه، در مصراع دوم، حذف فعل به دلیل پرهیز از تکرار (= به قرینه‌ی لفظی)
است: در جست و خیز آیی و در نشو و در نما (ایی).

گزینه ۱: در هر دو مصراع این بیت، فعل به قرینه‌ی معنی حذف شده است: جلیس من به مه و سال، جسم
محنتش (است) و ندیم من به شب و روز، چشم خون‌پala (است).

گزینه ۳: در این گزینه حذف فعل به قرینه‌ی معنی است: یاران (گوش فرا دهید) قسم به ساغر می (می خورم)...

گزینه ۴: در این گزینه فعل محدود وجود ندارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سعدی [با تو هستم] منادا و فعل به قرینه معنی مذکور است. اگر عاشقی کنی و جوانی [کنی] فعل به قرینه لفظی مذکور است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حذف فعل به قرینه معنی: به جمالت [سوگند می خورم] / ساقی [با تو سخن می گویم] / قادحی [ده] / دردا (درد می کشم) / دریغا (دریغ می خورم) / همان به [است] (۶ مورد)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه ۱) (خدادا: منادا؛ فعل به قرینه معنی مذکور) (به عزت [سوگندت می دهم] که ...

گزینه ۳) (سعدی: منادا؛ فعل به قرینه معنی مذکور) (گوسفند قربانی به [است] از ...

گزینه ۴) (سعدی: منادا؛ فعل به قرینه معنی مذکور) روی دوست نادیدن به [است] از دیدن ...

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ناوکش جان درویشان را هدف گرفته است و ناخن از خون مسکینان خضاب است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هنوزت اجل دست خواهش نبست ← هنوز اجل دست خواهش [را] نبست.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه (۱): تم: مضارالیه، تیرم (مرا) مفعول

گزینه (۲): حشرم: جهش ضمیر ← در دست راست من: مضارالیه / هولم (مرا): مفعول

گزینه (۳): خوانمش: (آن را) مفعول / نامش: مضارالیه

گزینه (۴): رُخم: جهش ضمیر ← در دل من: مضارالیه / خارم (مرا) مفعول

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه (۱): روحیه خود را نباخته [بود]: به قرینه معنی حذف شده است.

گزینه (۲): مرحله دوم کار را شروع [کرد]: به قرینه معنی حذف صورت گرفته است.

گزینه (۴): ولی همگی هم قسم [شده بودند]: به قرینه معنی حذف صورت گرفته است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ضمیرها به ترتیب: «ات» در مصراع اول نقش مفعول دارد (دورت کرد). ضمیر دوم و سوم واژه‌ی «خویش» است که در مصراع اول به دنبال اسم آمده و نقش مضارالیه دارد و در مصراع دوم به دنبال حرف اضافه قرار گرفته و متهم است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

فعل «است» در بیت سوال و گزینه ۳ در معنی «وجود داشتن» به کار رفته و در سایر گزینه‌ها «استنادی» است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این بیت، ردیف (کند) با واژه‌ی گذر، یک فعل هرکب است. یعنی، بگذرد ولی در بقیه‌ی ایات به معنی «گرداند» و فعل استنادی است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه (۱): وصفی: ضربتی چند / اضافی: مشت زمین

گزینه (۲): وصفی: مشت درشت / اضافی: مشت روزگار - گردش قرنها

گزینه (۳): وصفی: ندارد. / اضافی: جور گردون

گزینه (۴): وصفی: این بی خردان - بی خردان سفله - مردم خردمند / اضافی: داد دل - دل مردم

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

ترکیب وصفی: روز دگر / چه بهشت / هر کس (۳ ترکیب)

ترکیب اضافی: روزت / امروز من / وعده فردا / فردای تو / کنج لب / گوشی چشم / سراپای تو / تماشای بهشت / دل ...

کس / تماشای تو (۱۰ ترکیب)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) کار صواب (۲) مظلوم دست‌بسته‌ی مغلوب

(۴) گل مستور

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترکیب‌های وصفی: صدای مهیب، این کار، همه بازی‌ها، چانه زدن بسیار

ترکیب‌های اضافی: صدای خنده، خنده آنان، مسخره کردنش، اخراج

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترکیب‌های وصفی: هر روز، همه چیز، یک دل‌خوشی، تلاش بی‌وقفه، کوشش بی‌وقفه

ترکیب‌های اضافی: پدرم، چیزش، پرسش

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. این شاعر، بر جسته ترین چهره‌ی ادبی قرن نوزدهم فرانسه است. برخی * داستان‌های وی

ص ص ص ص ص ص ص

به زبان فارسی ترجمه شده است. تا سال‌های آخر عمر مورد احترام و ستایش عام ** بود.

ص ص ص

*(برخی)، (بعضی)، (پاره‌ای)، (مقداری)، (اندکی)، (خیلی)، (بسیاری) و ... اگر پیش از اسم بیانند و مقدار و میزان آن را

نشان دهند، صفت مبهم به حساب می‌آیند اما اگر به تنهایی به کار روند، اسم مبهم (ضمیر مبهم) هستند.

**«عام» در اینجا به معنای «مردم» است، بنابراین اسم و مضافق‌الیه است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترکیب‌های اضافی: همه‌ی رنگ‌ها، رنگ‌های قومیت، خطر زوال، دوران مسلمانی،

مسلمانی ایرانیان

اگر «همه» کسره بگیرد، «اسم مبهم» است، نه «صفت مبهم» بنابراین «همه‌ی رنگ‌ها» ترکیب اضافی است نه وصفی.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. واژه «کشیک» اسم است، به معنی «پاس و نگهبانی»، گرچه امروز گاهی در معنی

صفت استفاده می‌شود صفت آن «کشیک چی» و به معنی «نگهبان» است.

الگوی نوع واژه در گزینه‌های دیگر به تفکیک گروه کلمات:

(۱) چهار گروه کلمه: اسم + اسم / اسم + اسم + اسم / اسم + اسم + صفت

(۲) دو گروه کلمه: اسم + صفت + صفت / اسم + صفت + اسم + اسم

(۳) سه گروه کلمه: اسم / اسم / اسم + اسم + صفت + اسم

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ فعل «شد» فعل اسنادی است و کلمات «حلقه به گوش، سیر،

خجل» نقش مستند دارند، ولی در گزینه ۲ فعل «شد» به معنی «گذشت و سپری شد» به کار رفته است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «را» در گزینه‌ی ۲ نشانه‌ی حرف اضافه و در سایر گزینه‌ها نشانه‌ی فک اضافه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: تشنگان بادیه را جان به لب ← جان تشنگان بادیه به لب رسید

گزینه‌ی ۳: رهروان غم را خار از قدم ← خار از قدم رهروان غم

گزینه‌ی ۴: مرا شربت هجران روزی ← شربت هجران روزی من [است]

تو را نرگس جادو سرمست ← نرگس جادوی تو سرمست [است]

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. را در معنای حرف اضافه است پس ابراهیم، متمم است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. (ص ۵۴)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «خداؤنده» مضاف‌الیه است. / گزینه (۲): «بردگان» متمم است. / گزینه (۴): «دین» نهاد است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): نسیم جعد گیسویت مدام مرا مست می‌دارد (می‌کند) و فریب چشم جادویت هر دم من را خراب می‌کند.
مفعول مسدود

گزینه (۲): آتش درون را پنهان مکن
مفعول مسدود فعل

گزینه (۳): چرخ تو چو خاک پست گرداند
مفعول مسدود

گزینه (۴): «می‌شمارد» به معنای «شمردن» است، نه «به حساب آوردن».

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی موارد:

الف) «نجات» نهاد است. («نیست» در اینجا فعل ناگذار است).

ب) «تهی» مسدود است: (تهی نگردانم).

ج) «عیان» قید است.

د) «مشغول» مسدود است: (مشغول تکیر هستند).

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «می‌شناسم» در معنی مستقیم «شناختن» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): اشک و داع شبم ما را بیدار کرد.

نهاد مفعول مسدود فعل

گزینه (۲): (من) سیاهنامه‌تر کسی نمی‌بینم.

نهاد مسدود مفعول فعل

گزینه (۴): ناز کارنشناسان ملولیم ساخته است.

نهاد مسدود مفعول فعل

ابداق توشه‌ای برای موفقیت

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ما گرسنهطبعان ← بدل ۴۰

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): والی را سرای ← سرای والی ← مضاف‌الیه

گزینه (۳): محترم نداشت ← «نداشت» فعل مستندساز است.

گزینه (۴): آفتاب آینه‌دار جمال تو است ← نهاد

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. الف) دو ساله: صفت / ب) پیاله: متمم / ج) لاله: مضاف‌الیه / د) این نواله: نهاد ۴۱

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «می‌شمارم» در معنای «شمردن» به کار رفته و معنای «به حساب آوردن» نمی‌دهد. ۴۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): شیر حق: مفعول / منزه: مستند

گزینه (۳): مرا: مفعول / پاک: مستند

گزینه (۴): جواب تلخ: مفعول / باده شیرین: مستند

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۴۳

نقش واژه «نفس» مضاف‌الیه است. «در نفس» و هر کجا گرفتاری هست به دنبال در نفس می‌گردد تا از نفس خلاصی جوید.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی موارد پاسخ: ۴۴

ب) (من) غبار پای تو را / نور دیده می‌کنم
نهاد مفعول مستند فعل

ج) چرا (تو) کودک ناز دیده را خاکنشین می‌کنی؟
نهاد مفعول مستند فعل

د) کی (من) اشک به ره چکیده را ز نظر نهان کنم؟
نهاد مفعول مستند فعل

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه (۴) واژه «چشم‌آویز»، نهاد مصراع اول است و گروه «سحر چشمان تو» گروه ۴۵

مفولی است: چشم‌آویز (نوعی دعا) سحر چشمان تو را از بین نمی‌برد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۴۶

گزینه‌ی ۱: میرا لفظ شیرین خواننده داد (نهاد محذوف + متمم + مفعول + فعل)
متمم مفعول متمم

گزینه‌ی ۲: مزاجت تر و خشک و گرم است و سرد (نهاد + مستند + فعل)
نهاد مستند فعل

گزینه‌ی ۳: عسل خوش کند زندگان را مزاج (نهاد + مفعول + مستند + فعل)

گزینه‌ی ۴: به یکبار از ایشان برآمد خروش (نهاد + فعل)
فعل نهاد

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه ۱: سپاس، مفعول است (سپاس را بر سرم گذشت)

گزینه ۲: اطناب، اسم است و چون بعد از کسره‌ی اضافه آمده مضاف‌الیه است.

گزینه ۳: فعل دارد در معنی «می‌کند» است و «مشغول» مستند جمله است.

گزینه ۴: بیگانه حلقه به گوش می‌شود.

مستند

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

من روی او را عتاب‌الوده دیدم ← چهارجزئی مفعول با مستند.

نهاد مفعول مستند فعل

جان ماند ← دو جزئی / ماند فعل ناگذراست.

نهاد فعل

* دیدم در معنی پنداشتن، چهارجزئی مفعول با مستند است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

چاره‌ی گرفتار «را» فک اضافه است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اجزای مصراع سوال:

دوران چرخ: نهاد / مرا: مفعول / راضی: مستند / کرد: فعل

نکته: فعل «کرد» در معنای گرداند، فعل استنادی به حساب می‌آید.

در بیت چهارم فعل «دیدن» در معنی پنداشتن چهار جزئی مفعول و مستند است پس در اجزای جمله با مصراع ذکر

شده یکسان است. در گزینه‌های ۲ و ۳ «دیدم» سه جزئی مفعولی است.

نوشه‌ای برای موفقیت

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه ۱: «ت» متمم است. (اگر برای تو با من سر یاری است)

گزینه ۲: «اطلس» اسم است و بعد از کسره آمده و نقش مضاف‌الیه دارد.

گزینه ۳: همچون به معنی مثل و مانند است و نقش حرف اضافه دارد. پس «شکر» متمم است.

گزینه ۴: فعل «نیست» به معنی وجود ندارد است و حیا نهاد جمله است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

امروز روز شادی است. حال گل نکو باد چه کند (به معنای انجام دادن) همت مردانه ما

نهاد مستند مفعول مضاف‌الیه

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۵۳

ضمیر «هم» در واژه «معانم» نقش متممی دارد. دوش آن صنم چه خوش در مجلس مغان به من گفت ...

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): (من) عشق تو را نیک می‌شمردم.

نهاد مفعول مستند فعل

گزینه (۲): (من) خود را خوار دیدم.

نهاد مفعول مستند فعل

گزینه (۴): (من) شعله‌ای را خاموش یافتم.

نهاد مفعول مستند فعل

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۵۴

بیت «الف»: «لطیف» و «ظریف» صفات مستند هستند، «خانه» و «دانه» نقش مستند دارند.

بیت «ب»: «تهی» مستند است ما «ابوهی» متمم است.

بیت پ: «غرق» مستند است اما «حلق» نهاد است.

بیت «ت»: «محال» است مستند است اما «امثال» نهاد است.

بیت «ث»: «گرفتی» به معنی پنداشتی آمده، «خوار» و «یار» هر دو، مستند هستند.

بیت «ج»: «مویت» و «کویت» هر دو مضاف‌الیه هستند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی هر کدام از گزینه‌ها:

۵۵

(۱) آنرا دی و مرداد مه نام نهادند: «ش» مفعول و «مرداد مه» مستند هستند. (ش در بیت اول هم نقش مفعول دارد).

(۲) وابسته‌های پیشین: صد تیغ / یکی چوب: ۲ وابسته‌ی پیشین

وابسته‌های پسین: تیغ جفا / دل گرمی ما / دمسردی ما: ۳ ترکیب اضافی

(۳) هم‌آوا: سد / تضاد: دل‌گرمی و دمسردی

(۴) ربط وابسته‌ساز: «تا» در ابتدای مصراع دوم / «که» در مصراع سوم

ربط هم‌پایه‌ساز: «و» در مصراع دوم

۵۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. پرده (مفعول) ← پرده پندار را دارد.

(ت) (متمم)، چشم (مفعول) ← اگر به تو چشم خدایینی بیخشند.

هیچ کس (مفعول)، عاجزتر (مستند) ← هیچ کس را عاجزتر از خویش نبینی. «نبینی» از گروه فعل‌هایی است که جمله چهار جزوی با مفعول و مستند می‌سازد. (دیدن، دانستن، یافتن، تصور کردن، ...)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. خود (بدل برای «تو») / بد (مستند) / تو خود اختر خویش را بد کنی (سازی، گردانی، نمایی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): حق: مضاف‌الیه در حق

گزینه (۳): اختیار: مضاف‌الیه / گویایی ام («م» مضاف‌الیه)

گزینه (۴): میرا: فک اضافه (مضاف‌الیه) ← گویایی من

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

او را برای مشورت خوانند (نهاد + مفعول + متهم + فعل)

مفعول متهم

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): او: مفعول، مطوقه: مستند، خوانند: فعل (نهاد محذوف است).

گزینه (۲): نهاد: محذوف، رخ شاه کاووس: مفعول، پرشرم: مستند، دید: فعل

گزینه (۳): نقاش: نهاد، چهره‌اش: مفعول، زرد: مستند، کرد: فعل

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۶۰

گزینه (۱): نور: نهاد جمله است چون فعل «نیست» به معنی «وجود ندارد» به کار رفته است.

لیک آن نور چشم و گوش وجود ندارد (نیست)

نهاد

در گزینه‌های (۲ و ۳) نیز واژگان «همه» و «کسی» در نقش نهادی به کار رفته‌اند، در حالی که در گزینه (۴) نقش

«خوینی دل» مستند است و نهاد آن محذوف می‌باشد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۶۱

تا چشم بشر نبیند روی أت را ...

مفعول مضاف‌الیه

تو آن مشتی تو ای دماؤند (فعل جمله، دوم شخص مفرد است، بنابراین «تو» نهاد است.)

نهاد تکرار منادا

به جانت سوگند می‌خورم.

مفعول

۶۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. جهان: متهم / عیش: مضاف‌الیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) شکوفه، چادر: متهم

(۴) مژگان: طره: نهاد

۶۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شکل مرتب شده‌ی مصراع دوم این گونه است:

ابران ذوقش توشه‌ای برای موفقیت

۶۴

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

وای = چقدر بد است / مایه‌ی تأسف است و ... ⇔ شبه جمله است.

کش چنین سودا افتاد = که برای او چنین سودایی افتاد (رخ داد) ⇔ او: متهم است.

هیچ کس را این چنین سودا مباد = برای هیچ کس این چنین سودا نباشد (وجود نداشته باشد) ⇔ کس: متهم / هیچ:

صفت // سودا: نهاد

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۶۵

گزینه‌ی ۱: بشنیدن گرفت = شنیدن را آغاز کرد \Leftarrow « بشنیدن » نقش مفعول دارد.

اندک‌اندک مرده جنبیدن گرفت = اندک‌اندک مرده جنبیدن را آغاز کرد \Leftarrow « مرده » نقش نهاد دارد.

گزینه‌ی ۲: « بیگانگی » نهاد جمله است.

گزینه‌ی ۳: « هزاران بار » قید است.

گزینه‌ی ۴: « ده‌ساله » صفت « کین » است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۶۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۶۷

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۶۸

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۶۹

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۷۰

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. با توجه به معنا تشخیص می‌دهیم که «جهان» نهاد جمله است:

جهان اگر بحر شود ...

نهاد مسند

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۷۱

پس از جهان تحکم بردن سخت است.

قید متمم قید نهاد مسند

خو کرد، به ناز بردن جور مردم سخت است.

قید مضاف‌الیه نهاد مسند

(تحکم بردن را نیز می‌توان به «بردن تحکم» تبدیل کرده، تحکم را مضاف‌الیه دانست.)

ایران توشه

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۷۲

بیت اول: در این بیت: سخن نقش نهادی دارد. (سخن از لب جانان جدا می‌شود)

بیت دوم: واژه‌ی « جدا » مسند است. (پنجه‌ی مرjan جدا نیست)

بیت سوم: « پسته » مفعول است. (آمیزش قید پسته را از لب خندان جدا ساخت)

بیت چهارم: « هجران » نهاد است نه متمم.

(هجران, آشنايان را از هم جدا نمی‌سازد)
نهاد مفعول متمم قید مسند فعل

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۷۳

[تو] [آن را] خاک راه انگار

نهاد مفعول مسند فعل اسنادی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.
نام تو به نکویی و مرحمت شده
نهاد
[تو] سهل مشمار.
مسند
آن بهشت نقد باشد.
مسند

شهیدان خون سیل را گلگونه‌ی عذار تو کنند.
مسند

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. (ص ۵۴) ۷۴

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. (سعدی در این جمله نهاد و در بقیه گزینه‌ها منادا است). ۷۵

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. آن کسی پی مهر تو را (مفعول) گیرد که پی خود را (مفعول) نگیرد
تو را (مفعول) دوست دارد آن‌که او را (مفعول) دوست دارد. ۷۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ۷۷

الف) نهاد: فرق / فعل: باشد (وجود دارد = فعل غیراسنادی) / بقیه‌ی اجزای جمله «قید و متمم» هستند.

ب) نهاد: نظر / مسنده: دلیل صدق / فعل اسنادی: نیست

ج) نهاد: سعدی / مسنده: عاقل و هشیار / فعل اسنادی: نیست

د) نهاد: امید وصال / فعل: نرود / بقیه‌ی اجزای جمله «قید و متمم» هستند.

ه) نهاد: سرو سخنگوی من / فعل: برگذشت / بقیه‌ی اجزای جمله «قید و متمم» هستند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. الگوی گزینه‌ی ۳: نهاد: دوست پدرم + مفعول: این فضای معنوی را + فعل: ترتیب داده
بود. ۷۹

از سالیان پیش نقش قیدی دارد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گریه: مسنده: نهاد / حاصل: نهاد / عمر: مفعول / هرکس: نهاد
متمم‌ها در گزینه‌های ۲ و ۳، و مضاف‌الیه و بدل در گزینه‌ی ۴ رد می‌شوند. ۸۰

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نوع جملات از نظر اجزا: گزینه‌ی الف - ه - د (سه جزیی با مفعول) ب - ز - ح (دو
جزیی) توجه در عبارت (ب) می‌گذشت به معنی فعل اسنادی نیامده است. ح و (به جزیی اسنادی با مسنده) ۸۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی نقش‌ها: ۱) گرم و خونین: گروه قیدی - ش: آن را (قلب را) مفعول - ۲) موج
خنده‌ات: گروه نهادی - خنده: نهاد / مضاف‌الیه - گزینه‌ی تلحظ گلاب را: گروه متممی - ۳) به هوش: هوشیار (به: وند):
مسند است. - به غیر خواب (به غیر: حرف اضافه) خواب: متمم - ۴) خود بدل من - این (نهاد) ۸۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.
(آمدن) در گزینه‌ی پاسخ به معنای (فرارسیدن، آمدن) است ولی در سایر گزینه‌ها به معنی (شدن) است. ۸۳

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۸۴

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۸۵

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۸۶

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

الف) مقدم/ج) عطار، گویا/د) دور (به تعبیری)، بهتر، مهجور (به تعبیری)، بهتر/و) فسانه

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

در صحرای پر چاه وطن، [تو] فهمیده نه پا را

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

اگر غیر (بیگانه) در صلح به من چیزی هست (= وجود دارد)
نهاد مضاف‌الیه نهاد

... تو بی‌چیزی نیست (استنادی)/ من خود ... / [من] مستوجب قهر [هستم]
مسند بدل از نهاد مسند

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از این خوش‌تر در جهان نباشد (وجود ندارد)
قید

گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. «فارسی» در گروه «برجسته‌ترین شاعران» (هسته) زبان فارسی «صفت مضاف‌الیه» است.

باز هم «فارسی» در گروه «عرضه‌ی (هسته) شعر فارسی» صفت مضاف‌الیه است.

گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است.

شکل درست نمودار در دیگر گزینه‌ها:

این دو تن ۹۲
آینه دو تن
این دو تن
چشم‌های دور نگر اسفندیار
ژرفای ذهن خوانندگان

البته شکل درست‌تر گزینه‌ی مورد نظر این است که برای «ای نکره» هم پیکان رسم شود: عمری بس دراز
این نکته در مورد علامت‌های جمع در گزینه‌های (۲ و ۴) نیز صدق می‌کند.

ایران توشه

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

(۱) بوی یار مهربان: صفت مضاف‌الیه (۲) عشق باد نوروزی: صفت مضاف‌الیه (۳) سوز عشقت: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تنها در بیت گزینه (۴) در گروه اسمی «این خمار هستی»، «این» صفت اشاره یکی از انواع وابسته پیشین و «امستی» مضاف‌الیه هسته یعنی «خمار» می‌باشد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. گواه عزت پنهان (صفت مضاف‌الیه) / گناه پی نافرمان (صفت مضاف‌الیه)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این گزینه سه اسم پشت سر هم نیامده‌اند تا ما مضاف‌الیه مضاف‌الیه داشته باشیم: گروه اسمی «پایی پار سرکش خورشید چهره» واژه‌های «سرکش» و «خورشید چهره» صفت مضاف‌الیه هستند. در گزینه‌های دیگر سه اسم پشت سر هم آمده‌اند:

- گزینه‌ی ۲: خاک پای صنوبر
- گزینه‌ی ۳: عشق نرگس او
- گزینه‌ی ۴: مرید جذبه‌ی منصور

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه‌ی ۱: شوق: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه‌ی ۲: دشمنان: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه‌ی ۴: وی و م: مضاف‌الیه مضاف‌الیه هستند.

در گزینه‌ی ۳: پنج: صفت مضاف‌الیه است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «پیری» در این گزینه **المضاف‌الیه - مضاف‌الیه** است نه صفت زیرا اسم است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «من» در «کام عیش من» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.

گزینه (۱): «این» صفت اشاره برای «نکته» است.

گزینه (۲): «ازندگانی» مضاف‌الیه برای «طرح» است.

گزینه (۴): «سخت» در اینجا مستند است نه قید (قطع امیدواران سخت می‌باشد).

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «زن خوب فرمانبر پارسا» وابسته ندارد زیرا یک موصوف است و چندین صفت دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): گرد آن جا: صفت مضاف‌الیه

گزینه (۲): رسانی طبعی: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه (۳): دام دانه که: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «قف بلند ساده بسیار نقش» وابسته ندارد زیرا یک موصوف است و چندین صفت دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): سنگ راه سالکان (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) («را») فک اضافه در کشف وابسته‌های وابسته اهمیت به‌سزایی دارد. (کعبه و بتخانه سنگ راه سالکان نیست).

گزینه (۳): جای هیچ اکراه (صفت مضاف‌الیه)

گزینه (۴): سر کوی فنا (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دو جلد کتاب نقیص داستان («جلد» ممیز است).

تصویر ضحاک سفاک («سفاک» صفت مضاف‌الیه است).

نویسنده آن داستان‌ها («آن» صفت مضاف‌الیه است).

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.



گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
«دو» در «دوگل» جزیی از واژه است نه صفت:

سخنرانی‌های شورانگیز مارشال دوگل
همه صفت شاخص مضاف‌الیه

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.
گزینه‌ی ۱: کسب آین فضایل

گزینه‌ی ۲: سرپرروای ما

گزینه‌ی ۳: زیور آینه دل

گزینه‌ی ۴: غلام همت آن

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱- طریق واژگان خود (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) ۲- سطوح فرهنگ جامعه (مضاف‌الیه)
مضاف‌الیه) ۳- کل فرهنگ بشری (صفت مضاف‌الیه) ۴- انواع تحول علمی (صفت مضاف‌الیه)

نکته: اگر بین دو کلمه، صفت بیانی یا شمارشی ترتیبی نوع دوم باید در آن گروه اسمی، وابسته‌ی وابسته نداریم.

مثال: ۱- سطوح مختلف فرهنگ ۲- کار دوم ما
صفت شمارشی ترتیبی (۲) صفت بیانی

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

گزینه‌ی ۱: در این گزینه وابسته وابسته وجود ندارد.

گزینه‌ی ۲: مشخصات شعر نیما ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه / پیچیدگی تعبیرهای او ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه‌ی ۳: زبان بسیار تازه ← قید صفت

گزینه‌ی ۴: زبان تازه وصف فقر ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): هوای کرشمه‌های صدای تو ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه (۲): تاب وسوسه‌های تو ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه (۳): چاپکی دست‌های عقده‌گشای ← صفت مضاف‌الیه / چاپکی دست‌های تو ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه (۴): وابسته شوابسته ندارد.

۱۱۲

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

- ۱- ارواح انسان‌های کامل: مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- ۲- زندگی پیش از آغاز وجود: مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- ۳- نقش هر که: صفت مضاف‌الیه
- ۴- دلیل معلوم بودن تقدیر: مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- ۵- معلوم بودن تقدیر هر کس: مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- ۶- تقدیر هر کس: صفت مضاف‌الیه

نکته: اگر در بین دو اسم یا یک اسم و یک صفت، صفت بیانی باید در آن گروه اسمی وابسته وجود ندارد.

مثال: زندگی سابق خود ← سابق، صفت بیانی است.

علم بی‌نهایت حق
صفت بیانی

۱۱۳

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

اولین سالگرد تأسیس این مؤسسه

۱۱۴

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

شکل درست نمودار گروه: تفاوت رفتار و گفتار آن‌ها

۱۱۵

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. نمودار همه‌ی گزینه‌ها درست است.

نمودار گزینه‌ی ۲: ورای قدر التفات صدر جهان

۱۱۶

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. باید به خوانش و معنای بیت توجه بسیار شود:

شمع، پروانه چراغ روی تو شد و برای من از حال تو به حال خویش، پروا نیست

۱۱۷

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در مصراع اول گزینه (۴) وابسته به کار رفته است. / هیچ‌گس را دل ← دل هیچ

گس (صفت مضاف‌الیه)

۱۱۸

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بسیار صفت برای «مهم» و «سیر» صفت برای «سیز» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «خوب» و «بهاری» هر دو صفت برای «هوا» هستند و قید صفت نیستند.

گزینه (۲): «سرسیز» و «زیبا» هر دو صفت برای «باغ» هستند و صفت صفت نیستند.

گزینه (۴): «مهم» و «درسی» هر دو صفت برای «نکته» هستند و قید صفت نیستند.

گزینه‌ی ۱: حلقه‌ی زلف سیاهش

گزینه‌ی ۳: غلام همت آن رند

گزینه‌ی ۴: آن زیارتگه رندان جهان

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۲۱

الف: معطوف: من و لعل

ب: ممیز: هزار گونه سخن

ج: حذف فعل: در بیت منادا به کار رفته و بعد از منادا فعلی محوظ است.

د: بدل: «جمله» در این بیت به معنی «همه» است و در این مصروع نقش بدلی دارد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این گزینه فقط یک وابسته‌ی وابسته به کار رفته: دامن نسیم صبا (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) ۱۲۲

اما در سایر گزینه‌ها، دو وابسته‌ی وابسته وجود دارد:

گزینه‌ی ۲: ۱- نشاط باده‌ی تلخ (صفت مضاف‌الیه) - ۲- نشاط باده‌ی فنا (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

گزینه‌ی ۳: ۱- بند همه غم‌ها (صفت مضاف‌الیه) - ۲- بند غم‌های جهان (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

گزینه‌ی ۴: ۱- سبب زنخدان گروه (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) - ۲- زنخدان این گروه (صفت مضاف‌الیه)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. وابسته‌ی وابسته: در سرای تو (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) ۱۲۳

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه (۴) اصلاً وابسته‌ای به کار نرفته است. «آهن» هسته‌ای است که یک وابسته صفت و یک وابسته مضاف‌الیه گرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): انتظار جمالت: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه (۲): آب دیده من: مضاف‌الیه مضاف‌الیه / آب دیده سرخ: صفت مضاف‌الیه

گزینه (۳): بساط عمر من را: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. قدرت اجراء حیاط درست صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه ۱۲۵

زن بسیار دلسوز

قید صفت

نام آن زن

صفت مضاف‌الیه

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱۲۶

یک جهان بیمار: جهان، وابسته‌ی وابسته از نوع «ممیز» و متعلق به وابسته‌ی پیشین (یک) است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. چهار مورد: ۱- آینه‌دار روی او ۲- تاج خورشید بلند ۳- خاک نعل مرکب ۴- نعل مرکب او

گزینه ۱: ۳ مورد: ۱- قوت جان حافظ ۲- خنده‌ی زیر لب ۳- زیر لب او

گزینه ۳: ۳ مورد: ۱- صورت ابروی دلگشا ۲- ابروی دلگشا تو ۳- گشاد کار من

گزینه ۴: ۳ مورد: ۱- شرح شکن زلف ۲- شکن زلف خم اند خم (مجد) ۳- زلف خم اندر خم (مجد) جانان

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱۲۸

ب) نگاه آن سمن بر

ج) گل این باغ

ه) رخسار آن خورشید طلعت

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱۲۹

بیت ب: صاف این سر خم: صاف هسته، سر مضافق‌الیه، این: صفت مضافق‌الیه، خم: مضافق‌الیه مضافق‌الیه

بیت د: گرد لب جانبخش تو: گرد: هسته، لب، مضافق‌الیه، جانبخش: صفت مضافق‌الیه / تو: مضافق‌الیه مضافق‌الیه

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱۳۰

شکل درست نمودار این گروه اسمی: آثار هنری هر کدامشان

توجه: در گزینه‌ی «۲» دو گروه اسمی وجود دارد، بدل و مبدل به.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی پاسخ دو وابسته - دو وابسته‌ی مضافق‌الیه یافت می‌شود. بررسی وابسته‌ها: (رخ - آتش - آفتاب - خواب - گدایی - شاهی - آن - سایه - عطر) توجه: در گزینه‌ی دو (م) فعل اسنادی به معنی (هستم) می‌باشد.

بررسی وابسته‌های مضافق‌الیه: {ت، روی، ت، اسکندر، دارا (به دلیل معطوف بودن وابسته‌ی شاهی است)، ات - ت} به این ترتیب تعداد وابسته‌ها و وابسته‌های مضافق‌الیه بهتر ترتیب در گزینه‌ها عبارتند از: (یک: ۲ - ۲) (دو: ۲ وابسته) (سه: ۲ - ۲) (چهار: ۲ - ۳)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ۱۳۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) سبل باغ بهشت

مضافق‌الیه مضافق‌الیه

۲) درمان سینه‌ی من

مضافق‌الیه مضافق‌الیه

۴) انیس خاطر مجنون

صفت مضافق‌الیه / مضافق‌الیه مضافق‌الیه

نکته: «امجنون» ایهام دارد: ۱- عاشق لیلی ۲- دیوانه

به همین دلیل هم می‌تواند مضافق‌الیه مضافق‌الیه باشد هم صفت مضافق‌الیه.

| | | | | |
|----|---|---|---|---|
| ۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |

| | | | | |
|----|---|---|---|---|
| ۳۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |

| | | | | |
|----|---|---|---|---|
| ۶۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۶۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |

| | | | | |
|-----|---|---|---|---|
| ۹۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۱۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |

